

اگرچه حال کنونی ایران اطمینان بچشم بست ولی  
اگر این معاهده نبود بیجیدگیهای آت پیش و  
سال او بدتر میگردد

سرادورد سکری مساک خود را اعاده نموده  
اظہار داشت که من نمیخواهم هیچ گونه مداخلت  
دائمی در ایران بشود، من باب قرضه هنگفت  
ایران اظہار داشت که با اوضاع کنونی مشکل است  
با شرایط تشویق آمیز به ایران قرض داده شود،  
در خصوص تجویز حکومت هند که بلا واسطه با ایلات  
طرف شوم اظہار داشت که ممکن بود این عمل بر  
مشکلات ما بیفزاید و بلا واسطه حکومت ایران  
این عمل موثر بچندکی میگردد تجویز دیگر حکومت  
هند این بود که سواحل ایران را محصور داریم  
اگرچه این تجویز ممکن الوقوع بود ولی در صورتیکه  
در داخله ایران کارروائی نه شود این عمل سودمند  
نصورتی شد

( در موضوع راه آهن طواری ایران )

سرادوردگری بیان کرد که ولوباصول جنگی  
مناسب نباشد که راه آهن در ایران تعمیر بشود  
ولی هرگاه ایران ترقی و انتظام را لازم دارد  
البته راه آهن در آنجا باید کشیده آید ممکن است بقعده  
بعضی ها تعمیر این راه آهن تاخیر شود ولی وقتیکه  
راه آهن اروپا و هند تجویز شد لابد در ایران  
هم کشیده خواهد آمد برای همیشه مخالفت با این راه  
آهن نه اصول عقلانی است و نه عملاً ممکن تواند شد  
ولی اکنون ماکاملاً به هیچ امری پای بند نشده ایم،  
من بکمیانی سو سائی دی ادبویس پاریس گفته ام  
که هرگاه با شرائط صحیح تجویز در تعمیر راه  
آهن بشود دولت انگلیس حقوق خود را از بیاه  
و نرخ و نگران و انتظام و نمایندگی محفوظ خواهد  
داشت، قبل از هر امریک معاهده باید یاروس در  
خصوص شاخهای این راه آهن بشود و تصویه باید  
که در حلقه نفوذ انگلیس انتظام و نگرانی راه آهن یا که  
خواهد بود و چگونه درجه مساوات برقرار توان گذاشت  
وقتی که کمیانی مذکور به عملیات این تجویز اطلاع  
دهد بدارالشورای ملی پیش خواهم نمود و چون  
مسئله خیلی اهم میباشد یا اینکه مشوره گرفته شده  
است لازم شرائطی را که دولت قبول کند

بدارالشورای و حکومت هند پیش خواهد نمود، من  
باب بین المللی قرار دادن راه آهن محرمه همیشه عقیده  
من این بوده که در جنوب امتیاز راه آهن به  
که بانی انگلیسی منحصر ماند، من با نهایت غور آن  
نقشه بین المللی که برای راه آهن جنوب پیش خواهد شد  
خواهم نگریست

( من باب آخرین نقطه راه )

( آهن بغداد )

سرادوردگری بیان کرد که دولت المان  
میداند که بین ما و عثمانی من باب راه آهن  
باین بغداد مخاومه جاری است چون بلا واسطه  
بمنافع آلمان بر می خورد حاضر هستیم که در این  
خصوص با دولت آلمان هم، مخاومه بنائیم چیزی که  
خیلی اهم است و ما تصقیه اورا میخواهیم همانا  
تصقیه بین انگلیس و عثمانی است تا ظاهر گردد  
که ما بر ممالک خلیج عمانی تجاوز نمی نمایم و فقط  
میخواهیم که در حیثیات خصوصی ما در خلیج  
مداخلت ننود

( من باب مسلک دولت انگلیس در بحیره روم )

سرادوردگری بیان کرد که در ابتدای اروپ  
لازم است دولت انگلیس تشکیل قوتی دهد که منفردا  
مقتدر بر حفظ ممالک متحده خویش باشد ولی این امر  
لازم نیست که ما در بحیره روم تشکیل چنان قوتی  
بدهیم که بااصاله مقابله باینکه از دول بتواند کرد، اگر  
چه هیچ گونه اثر منافسه در بحیره روم ظاهر نیست  
ولی اگر ما قوای خود ما را در آنجا محکم نه نمایم  
در آینده ممکن است از قطار دیپلوماسی خارج و به پیچیده  
گیهای دور و دراز دوجار گردیم، ما راست که در  
بحیره روم تشکیل چنان قوتی دهیم که در موقع  
مناقشات دیپلوماسی یک از ذوی الحقوق بشمار آئیم  
چون در این موضوع مخصوصاً بحث خواهد شد  
فعلاً زیاده بر این بیان نتوانم نمود در آخر بیان  
خود اظہار داشت که آنچه پیش آید اولویت بحری  
انگلیس در بحیره روم باید برقرار ماند ولی اگر  
ما از این درجه تجاوز نمایم امریست دیگر

( من باب اقصای شرق )

سرادوردگری گفت که اتحاد ما با ژاپون  
در اقصای شرق نتایج نیکو بخشیده و در این موقع

انقلاب چین که ممکن بود پیچیدگیهای بین المللی پیش آید امنیت و سکونت برقرار داشت ، مسلک خارجه ما را در انصای شرق لایتغیر بایدگفت و در صورتی هم که تغییرات جدیدی در مسلک ما پیدا شود اولین لحاظ ما برقراری دوستی و اتحاد با دولت روس و فرانس خواهد بود. من با کمال مسرت و اطمینان ملاقات امپراطورین روس و آلمان را می نگریم اتحادی که بین ما و ژاپون شده در مذهبهای سمیمیت است این نکته خیلی قابل غور و تامل است با آن هم انقلابات و نا امنی که در چین پیش آمده هیچگونه منافشه بین المللی روی نداده است در این سنوات موجوده اتحاد ژاپون و انگلیس برای حفظ امنیت اقصای شرق بزرگترین عنصر شناخته شده است و از این اتحاد دولتین ژاپون و انگلیس هیچگونه بد ظنی دول دیگر را پیدا نتواند شد. مگر بر خلاف تصور آن تعلقات دوستانه ژاپون و روس را عمدی بخشود من امید میبخیم که این اتحاد دولتین را منبند ثابت شود دولتین ژاپون و انگلیس با مذهبهای اصرار استخکام صادقانه این اتحاد را قیام داشته و عنصر قوی استقلال اقصای شرق شناخته آمده است

( من باب آلمان )

سر ادوردگری اظهار داشت که روابط و تعلقات دوستانه ما با آلمان برقرار است و در منافع مشترک دولتین با صفای نیت رفتار می نمایند و مرا یقین است هرگاه موقع مباحثه پیش آید مثلاً در حیثیت و مقام ما در افریقه و با راه آهن بغداد دولتین دوستانه تصنیه خواهند نمود

انجمن ایران در لندن

سر نیچ که مستغنی از تعریف و توصیف است بتاريخ ۱۳ جون تحت انتظام انجمن ایران ( برشیا سوسیائی ) بصدارت سر طامس بارکلی وزیر مختار سابق انگلیس در بران نطق بلدینی داده که خلاصه آن ازین قرار است

( نطق سر نیچ بر اهمیت ایران )

از سر مشقی که ایرانیان حاصل نموده آخرین امید شان منحصر در این گردیده که دولتین روس و انگلیس خاصه دولت انگلیس این امر را تسلیم

نمایند که برای بنای روابط و تعلقات دوستانه دائمی دولتین برقراری آزادی و استقلال ایران لازم است. فرزندان ایران را بخوبی معلوم گردیده که دولت انگلیس یا از قوای بحری چنانی ابدأ توسعه سرحدات خود را بدون اختیار نمودن تدابیر حفظ خود بداخله ایران نخواهد نمود و ازین روست که ایرانیان ما را طبعاً دوست خود شناخته و ازین که ما در بعض اوقات برایی مؤثر داشتن دوستی خودمان از منافع خویش هم صرف نظر نموده ایم نسیب می نمایند ، به قیده من این نکته را نباید خارج از الزامات قرار دهیم که دولتین با اینکه تسلیم می کنند ضرورت بقای استقلال ایران را بنظر یک دولت پوشالی ولی بجای تأییدات اقتصادی جلو گیری از ترقیات ری می نمایند و کسانیکه چنین مشوره را بدلتین می دهند عقیده شان این است که نباید در ایران راه آهن تعمیر شود بلکه راه شوسه هم زیاد ساخته نشود تا در موقع حمله آوریی غنیم آذوقه لشکری کثر دستیاب گردد و اشکال عودت شان پیش از حمله آوری باشد

این مشوره نهایت خود غرضانه و مخالف اخلاق و هماره این گونه مسلک ها ناکام گردیده است. چه مردوانیکه مقتدر بحفظ خود نباشد برای همسایگان لا محاله اسباب خطر تواند گردید. ما راست که در این نکته کاملاً تور نایم که خواه سرأ یا علناً یا پنهان نمودن آزادی ایران چه نتایج تواند بخشید. در هر صورت نتیجه یک خواهد بود. و هرگاه این امر آغاز شد چنانچه شده است باید یقین نمود که تعلقات روس و انگلیس باقی نمانده و سرحدات آنها بدون هیچگونه فاصلی تصادم خواهد کرد و طبعاً هیچگونه جلو گیری برای چنین تصادمی موجود نخواهد بود ولو اینکه گفته شود که حفاظت سرحدی ما دشوارست ولی باید دانست که مصارف هنگیز را باید متحمل و حتی افراد انگلستان هم تمام قشونی کردند و برای دولت روس هم تحمل این بار آسان نخواهد بود لذا مقتضیات مال اندیشی آلمنت که دولتین خودشان را از چنین مخاطره باز دارند

## جواب مکتوب پاریس

شماره جهل مورخه یازدهم جمادی الاول جریده محترمه مناله به عنوان ( نویسنده مکتوب ) درج نموده محتوی بر اخبار پاریس در ضمن مطالب آن است این جانب مذکور شده است

اگرچه ابهام عنوان و اشاره مانده در آخر مقاله از طرف خود اداره صحافی است که عدم وثوق بخبر نگار و عدم اهمیت خبر آن را مشهور نموده از هر رد و مباحثه منتهین در آن سطور را مستثنی دارد علاوه بر این سخن حکام و توق تسلیت برای این جانب و عموم هموطنان مقیمین (پاریس) بهر از هر امضای معرف نویسنده و دستور العمل دهنده این رساله است

هر شکلی که خوانی جامع میبوش

که من آن قد موزون میباشم

و این شناسایی خود مکتبی از هر اسباب و تطویل است ولی از آن جایکه همواره نامه مقدسه حبل المتین را عروة الوثقی آزادی و استقلال ایران دانسته همیشه مطالب آن را مهم شمرده و عزیز داشته میخواهم و تو بالارض و بالاتفاق و صحاح آن باین جانب استادی بغیر حق داده شود و در صدد تصحیح بر پیام لذا این مختصر را عرض میبایم و مستدعیم در جریده شریفه درج فرمائید نوشته اند حضرت اقدس والا ظل السلطان این جانب را از (پاریس) جلب به نمس و از آنجا باموریت مخصوص گاه بحرمانه و گاه آشکار به لندن فرستاده اند

راست است که این بنده در ایام فراغت از تحصیل گاه به (نمس) رفته ام و گاه به (لندن و انگلیس) و سایر نقاط اروپا مسافرت نموده ام ولی این قضایای اتفاقیه را با یکدیگر ربط دادن و از آن ها منرضاه و من عندی این گونه نتیجه فاسد گرفتن باصطلاح منطقیین از قبیل (ان کان الانسان ناما فالعجمار ناهق میباید) بی بنده هم باحضرت والا ظل السلطان ملاقات نموده و میبایم و هم در نیس دو منزل ایشان مسکن داشته ام اما بهیچوجه و هیچوقت و هیچ جا نه تکلیف رسالتی از طرف حضرت معظم له باین جانب شده و نه اقدام به

ماموریتی را مطلقا و اصلا این بنده متکفل گردیده ام تکذیب این نسبت را هم فقط برای بیان واقع و تصحیح اخبار نامه مقدسه میبایم و الا فاش میگویم از بستگی و خیر خواهی حضرت والا ظل السلطان ابدی نمائشی ندارم بلکه آن هنی را که ملاحظه روابط فامیلی و بزرگ و کوچکی را در حدود حقه و مشروعیه نمی نمایند مذمت میبایم و مقصر و خطی میباشم و فامیل دوستی را اساس

و من برستی و نوعی خواهی میدام

بالاخره این نکته را هم عرض میبایم در صورتی که بر فرض محال حضرت والا ظل السلطان نتیجه تجربیات چندین ساله و مشاهد من حرب المجرب حالت به اندامه را فراموش فرموده قصد اقداماتی مخالف ملت مینمودند و سر چنین مطلبی را باین جانب در میان نمیگذارند باز رشته تحقیق نگارنده مقاله کامل نشده از عوالم واهی و خیالات سوپستانی خارج نمی گشت زیرا نه فقط نتیجه زحمت و تحویلات دوازده ساله این جانب در مراتب قانونی و فلسفه منافی چنین مطلب و مقتضیات وجدانم مخالف با آن و بی شبهه کتاره جوش میبکرم بل بمناسبت همین حیثیات فامیل پرستی که عرض شد بدون ملاحظه و تردید و با کمال قدرت و جسارتی که از خواص خیرخواهی و کلام حق است عواقب و خیم و خانه بر انداز این گونه اقدامات حضور حضرت معظم له اراده نموده وقایع گذشته و حاضر را یاد آور شده ضررهای ملی و خانوادگی آنرا شرح داده آنچه ذر قوه داشتم برای انصراف ازین گونه خیال میبکرم

باری پس ازین تطویل این موضوع را مقتضی نمیدانم و رفع مزاحمت میبایم این اندازه هم چنان که عرض کردم برای احترام نامه مقدسه و آن اداره شریفه بود نه مجادله و مباحثه باصاحب مقاله چه دخول در این مشاجرات بی اساس فقط مبنی بر خود خواهی و اغراض وای پیروده و غلط نداشته بر خود متابعت قول مبارک حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حتم نموده ام که میسر ماید و لقد امر علی اللایم بسبی

فمضیت عنه قات لا یمنینی

فیروز نورالدوله ابن فرمان فرما

( مقاله است که به یکی از جراید خارجه رسیده است )

### شهران و حکومت حاضره

شهر شهران امروزه با واسطه عزیمت فرمانفرما و اردوی مرکب مأمور همدای بی نهایت در هم و بریشان ب نظر میرسد - این دومی افکار نه تنها بواسطه غایت سالارالدوله و عزیمت فرمانفرما است بلکه غالباً بواسطه موجودی سپاهیان دولت روس است در دم دروازه شهران - رشت - فردین -

متکرمین شهران چنان که از دیر بازی حدس زده بودند و نیز گاشته بودیم امروزها بقیین کرده اند که ما این عزیمت فرمانفرما و تسلیم کردن قزاقان ایرانی اسلحه خودشان را بخصم همانا مقدمه ورود قزاقان روسی است به شهران - و این یگانگی نقشه است که خائنان ایران بدستیاری قهرمانان اجنبی برای اشغال کردن قلب مملکت شهران کشیده و دبری است که مرصد تمام این نقشه بوده و اکنون تمام میکنند

میخواستند این نقشه را بدو بدست آویز جوشش گرسنگان و میاهو های قبیله زدگان شهران از نقشه نظر گرانان فراموش آورند - آن نقشه را خسته کی و درماندگی امانی شهران بوقیبت خاموشی و صبر بر شدت و بلا بهم زد ، پس از آن يك نقشه گزین و رای رزین پیشنهاد اونیای خواب رفته شهران شده و آن گرفتاری رؤس متاندین و حریت ووران نامی شهران بود ما دیدیم که بی هیچ مقدمه چند نفر از اولاهای مروف و سرداران آزادی از قبیل حاجی سیدعلی مجتهد و سردار محیی و سلیمان میرزا ایدر دموکرات و مستانانک ایدر اتفاق و ترقی و آقا سید جلیل وکیل مخرم آذربایجان و عده دیگر از داخل نام بردار و بکلای محترم نیک نام ملت را دولت گرفته و یکی دو روز حبس کرده بدون محاکمه تبعید نمودند

این نقشه از نقشه نظر عادی سریع الاجرا می نمود و لیکن امانت و تسلیم صرف بوقیبت شدگان و خاموشی حامیان آنها که قوه همه گونه مدافعه را از يك مشت پلیس داشتند ، باز این نقشه را بهم زد و علی رغم نقشه کشهای بی انصاف

از احدی بر خلاف اجرت خلاف قانون و خلاف انصاف و ایلی امور اقدای و حق نطقی و انبیا نامه صادر نشد. حتی عده از حریت ووران مسیحی در این موقع يك انبیا نامه اساسی میخواستند بر ضد پروژات دولت نشر دهند بهین ملاحظه خیال آهنگام از این اقدام انصراف داده شد

در این اوان شنیدیم که اردوی فرمانفرما با اردوی مجمل السلطان پیش قراول سالارالدوله طرف شده و بواسطه يك نقشه منکوسه که کشیده بوده است شکست خورده و عده زیادی تلفات داده غالباً اسلحه خود را نیز تقدیم خصم نموده قرار کرده است این غائله معهوده همانا يك بوده بود که در پس پشت آن نزدیکی خصم را به شهران و میاهو های ملت و بلا فاصله ورود قزاقان روسی بپهران و باضا رسانیدن باره فواین را در تحت فشار سالارالدوله با نشان می داد

آری حدس غالب همین بود که شتیم و فرامین عقب مانده روسها که میخواستند پس از فشار سالارالدوله بپهران و رود قزاقان خویش آنها را با مضای دولتین برسانند ( آری تمام خواست های روسیان را فرمان نهاده ایم ) گویا همان تقیصه امتیاز راه آهن ایران و تشکیل يك مشورت خانه مخصوصی به نام پارلمان و باضا رسانیدن تمام یاد داشت ها را در آن است

میگو یفرم خت با اتوموبیل طرف حرکت کرده اند و رفته است بسیاری از مردم شهران چشم براه اند که این جنک بوشیکی که دست چند دولت در آن کار فرماست چگونه خاتمه پیدا خواهد کرد لاردر لنگتن به شهران وارد شده و برای دیدن عمومی حاضر شده حتی از دانشوران او را تا اکنون دیدار کرده اند ولی فایده هنوز نتوانسته اند از سخنان او بر گیرند - زیرا سخنان او نیز دارای يك بهلو نیست ، چیزی که هست میتوان ایقان کرد که این مسافرت يك اهمیت سیاسی و محرز بوده و برای معرفه کاملی اختیار شده است ، پرروز با وزیر داخله در کالسه سیر می کرده است

مورنارد خزانه دار کل يك تفرعن فراوانی پیدا

کرده و جلو بول را بروی وزرا پیش از شوسر بسته است ، حواله جات وزرا را نه قصه به ندان اکثراً نکرده غالباً پرت میکنند . میگوید هنوز که از طرف سارت خانه های دولتین ناظر معین شده و برای اجرای کنترول خودشان ترتیب قطعی نداده اند و خزانه يك صورت احرام ظاهری دارد قدر دانسته و اصرار در برهم زدن این صورت نگینند وانیاً آنان که از خراجت مورگان شوسر گریخته بودند امروز عجب از کش میور مورنارد شده اند

به بینیم که کی برای عزل این آدم نیز از دولت روس تنزی مناونت مادی خواهند نمود !!  
 با مورنارد در پرداخت مخارج جزئی دولت هم دریغ میکند و حال آنکه در اداره خزانه چه بسا حقوق برای بی کار با حقوق هنگفت دیده میشود که فقط رقتن و بی کار نشستن در اداره را نیز حیثشان می آید

از سوء قصد های مشهور نسبت

( به عبد الحمید )

( ۱۱ )

رئیس به ژوریس گت

در حق رهبری دیگر چه میدانی بگو ؟  
 رهبری یکفر نویسنده هم داشت که خودش سیاه چشم و بی سبیل بوده و صدایش صدایی زن می ماند

آیا نام اصلی او را هم میدانی ؟

روزی در دفتر خودش دیدم که اسمش سیلو یورچی بود و محتمل که نام اصلی اش بوده باشد شاید دیگری آدرس آن بوده باشد شما از کجا میدانید که اسم خودش است ؟

بله ، خیلی خوب میدانم که اسم اصلی کارلو سیلو یورچی است زیرا مرتبه دیگر هم شنیده بودم سیلو یورچی چند مرتبه در هر هفته بسیار پولیسی را ملاقات میکرد ؟

هر روز سحرگاه آمده در يك اطاق باهم کار میکردند آیا بچه مشغول بودند -

چیز مینوشتند ؟

بله ، برخی گاه حرف زده و گاه هم چیز

نوشته و بیشتر با بلغارستان و رومانی مخبره می نمودند

مکتوباتی که از بلغارستان و رومانی می آمد به آدرس کی نوشته میشد ؟

راه راست بنام بسیار پولیسی

مخابرات درجه ماده و در چه خصوص بود ؟  
 چون بسیار پولیسی در شهر واره و بکرش يك شعبه از تجارت باز کرده بود بالطبع در آن خصوص مخبره میشد

حالا ازین مصائب صرف نظر بکنیم بگویم

بیم بسیار پولیسی حضور آدم بود ؟

منار الیه شخصی بود بلند قد و تنومند و رنگ سیلرایش سیاه بود

به کجاها پیشتر آمد و رفت میکرد ؟

پشرها به قهوه خانه لو کسنورخ رفته و در آن جا نرد بازی میکرد

جز کارلو دیگر با کیمها دید میکرد ؟

با یکتنر که بلند قامت و موزرد

آیا اسم آن آدم را میدانید ؟

از قراریکه کارلو میکت اسم مشار الیه ( آخوه ) بوده با خواهر خودش برای تبدیل هوا به اسلامبل آمده بود

حالا زوجه شما در کجاست ؟

قبل از بخروز به بلژیک رفت

پس معلوم میشود که حالا مادام ژوریس در اسلامبل نیست ؟

نه

روز رقتن اش شما هم به استاسیون - اتسیکه شمندفر - رفتید یا نه ؟

بله رفتم

چند لیره بخودش خرجی دادید ؟

چهل لیره دادم ، اما شما حق ندارید این باز پرسها را از من نمائید ، لزن من بناسبت بلژیکی بودنش دیدن مادر خودش را آرزو کرده من هم بقدر قوه خودم بخودش بول داده فرستاده و نمی دانم رقتن زوجه من به بلژیک چرا این اندازه ذهن شما فرا گرفته است ؟

آیا میخواهید يك علاقه با سیاحت مشار الیه

و حادّه بومب به پند : نه

ابدانشا حق مدارید احوال خصیوصیه مرا استجواب  
مائید

امساءدت شما ! هرصنایکه میخواهم از شما  
بریده وجواب خواهم خواست .

منهم فطیما قسرار دادم که بشا جواب ندیم زیرا  
شما حق اینکه از احوال خصوصی من برسید  
ندارید لذا رئیس اندکی با انتضای مجلس کتکو  
کرده زوریش را از اساق بیرون نمودند نیم ساعت  
دیگر ستر بیرون رفته به زوریش سفارش نموده  
که به باز برسی نجیب ملحه پاسخ بدهد . اگر  
چیز زوریش بسیار استنادکی نمود با همه این  
باندزهای ستر و نامینانش قناعت حاصل کرده و  
موافقت نمود که بشولات رئیس جواب بدهد یکاعت  
دیگر باز زوریش در حضور هیئت حاضر شده  
نجیب ملحه بمشار ایبه خطاب نمود .

آیا زن شما چیزهای دیگر از این جا باخودش  
برد

به یک صندوق و یک کیف کوچک داشت  
آیا بلیت را راه راست برای اوین گرفته  
بود

چون هرروز کبابی برای اوین بلیت میداد  
لهذا بلیت را به بفراد گرفتیم

آیا میدانید که الان زن شما کجا است ؟  
خیر . نمیدانم

آیا خبری مکتوبی یا تلگرافی از خودش نه  
گرفتی ؟

نه . هیچ خبری نگرفتیم و انگهی تا دو هفته  
میباست برگردد .

همو جواب زوریش نجیب ملحه را قناعت  
نیآورده و زوریش چون میخواست استنطاق بدهد  
بآن جوابهای مهمل بله - خیر مجلس را مشغول  
می نمود

رئیس بقین داشت که رازهای بسیار در زب  
زوریش هست لهذا سئوالات دیگر میکرد

موسیو زوریش ، با زوجه شایچه مناسبت بازن  
بسیار پلیسی آن اندازه گرم گرفته و آمد و رفت  
می کرد

زن من در نخست دیدار مهر مادام بسیار  
پلیسی را ر بوده و گرمیت آن ها رفته رفته  
افزوده و ما هم بمشار ایلیها احتیاطات بسیار  
داشتیم زیرا بکزن باکدامن و با شکب و نیت خواه  
بود

آیا سودی از ان مناسبت درمیابه داشتند یا نه  
بگفته زیم مادام بسیار پلیسی قول داده بود  
که ما یاری بماند

حالا دیدم موسیو زوریش که سبب صمیمیت  
و دوستی شما منعت شخصی بوده است  
چون راست مطالب را گفتند از شما خیلی ممنون  
و متشکر شدم

نه حضرت باشا منعت شخصی درمیان ما نسبت  
بدوستی در بابه پس مانده بود بطور :

چون ما چندان توانگر نبودیم این بود منعت  
مادی هم پای خودرا بمیان صمیمیت گذارده و  
یک اندازه هم نامین کرده بود مهبذا نایبیت این  
همه مهر و دوستی ما را نسبت به آن ها حمل  
به منعت شخصی نمود حضرت باشا ما خودمان  
باکدامن و آبرومند بوده و متسا درجه قناعت کاد  
هستیم بنا علیه خواهش دارم بناموس ما تجاوز  
نمائید وگر نه ایدا بکحرف بشا جواب نخواهم  
داد مادام پلیسی بمعاونت ما قول داده بود اما  
این معاونت جز از تا ر دوستی راستی چیز دیگر  
نمود حتی روزی هم ما دام پلیسی با تکلیف نمود  
که در محله بشکانش بشینم بشاطاس نزدیک به  
سرای سلطان است .

چرا بشا تکلیف میکرد که در بشکانش بنشیند  
چون مادام بسیار پلیسی در آن جا دوستان  
خیلی داشت میخواست ازراه یک خواهی برای ما  
بیشتر مشری پیدا کند

فهمیدم ، حالا فهمیدم . اما چرا شما تکلیف  
ما دام بسیار پلیسی را رد نمودید ؟

تکلیف مادام را رد نمودیم چند مرتبه رفته  
خانه سوراق نموده پیدا نکرده و قرار بهانظار  
دادیم

آیا آن روزها در بشکانش خانه خالی یافت نه  
پیشد ؟

خانه خلی خیلی بود اما وجه گرام بسیار گران بوده از چهار لیره کمتر خانه پیدا نمیشد

آیا مادام بسیار پلیدی بشما وعده معاونت کرده بود ؟

نه وعده کرده بود ولی آن وعده در بوضه احوال ماده مام چندان اعتبار ملی داشتیم که باستیجار خانه بزرگ حصارت نمائیم .

حساب الامر رئیس ژورنالیست را بیرون کردند و بعد نجیب ملجمه به سنیر باژیک خطاب کرده و گفت افادات ژورنالیست دولت میکند بر اینکه خودش

بیشتر داخل این کار بوده تا روز سه - قصد مذکور آنها با یکدیگر باصمیمیت ملاقات کرده و در مناسبات

محرمه شده و با وجود دانستن اینکه آنها آدمهای با شبهه میباشند باز در یکجا اقامت کرده و لهذا

در مقابل این همه حقایق نمیتوان باور نکرد که ژورنالیست مجرم نیست سفیر با یکطور غرور و تکبر

نسه . دوست من ، شما اشتباه دارید منم سخنان ژورنالیست را فهمیدم مشار الیه قضایاً در این

باب بیگناه است . اگر همه کس به کشف افکار دوستان و نوع بشر مقتدر میشد طی در دنیا نه

بوده و هیچ وقوع جنایت هم نمیکشت و آن گهی شما باز پرس را خیلی طول میندھید شخص مجرم

هم این اندازه نمیتواند آزاد حرف بزند اگر در دقیقه نخست هم نباشد دقیقه ثان خودش را کم

کرده بدست میدهد اما از شما خواهش دارم ملاحظه فرمائید ژورنالیست بسیار حقائق را بلب خودش اعتراف کرد

آیا شما نشنیدید

چطور حقیقت :

آیا اقرار نکرد که در خانه خودش بسی اجتماع منعقد شده است ؟

بله ، اقرار کرد اما نمیداند که علت آن جمعیتهای چه و بچه متعلق بوده است و در اطاق

به آن ها در خانه خودش داده دیگر مجبور نیست که همه حرکات و امورات آن ها بیاید

بنامعلیه چنانکه ژورنالیست از عقد اجتماع در خانه خواش مسئول نمیشود هات طور هم اجتماعات باعث و دلیل مسئولیت ژورنالیست نمی تواند بشود

خوب ، آیا به فرار زتن مادام ژورنالیست چه خواهید گفت ؟

مادام ژورنالیست تا يك بساپورط منظم و درست به کشور خودش رفته در این باب شکایتی ندارد

هر صورت . بقصد من موسیو ژورنالیست از فرقه کانبه شمرده میشود

لهذا برای گماشتن مشاوران به مساعدت شما را میخواهم چون شما انوا بستید گناه بگردن ژورنالیست ثابت

نکنید توفیق مشاوران به هم در این جا يك حرکت کتبی و دلخواهی خواهد بود منم سخت اعتراض

و شکایت مینمایم . ژورنالیست ادا به توفیقخواه نخواهد رفت

توفیق نیست در این جا موقنا با مهمان خواهد شد

باصطلاح شما مهمان یعنی عبوس ، و شما در زندان ها بجه زندانیان اسم مهمان گذارده اید

نه . ژورنالیست در این جا ماندنی است چون من او را کماهکار میدانم لذا نمیتوانم خودشرا آزاد

بکنم بعد از کشتن این حرفها نجیب ما سه بسفیر

نزدیک شده باره حرفها به بخکوشش گفت سنیرم پس از اندکی اندیشه اظهار داشت

در آجال اراده سلطان صادر بشود نجیب ملجمه به بیروت رفته و بعد از نیم

ساعت برگشته باز بخکوش سنیر بعض چیزها گفت سفیر - خیلی خوب ، مادامیکه اعلیحضرت به توفیق

ژورنالیست اراده مینماید منم اعتراض نمیکم سنیر خوشنود بنظر می آید

ژورنالیست برقالت ترجمان سفارت از سرای بیروت و توفیقخواه برده شد

نجیب ملجمه برای کسب اطلاع از احوال خصوصیه ژورنالیست مدیر شعبه حرف اسلامبول کیان سیکتر

موسیونشتاسینی را برای اطلاع دعوت نموده و پرسید ژورنالیست کی بشما توصیه نمود ؟

اگر چه با سنارش یکی از مامورین کیانی خودتان موسیو ( نه سقینی ) سه سال قبل ژورنالیست

را نزد خودم آوردم بمناسبت همزه کردیش کلوز بزرگی بخودش ندادم بکاه قبیل از حاد: هرروز

رو برو اقامت میکردند و بسایند خیلی یواش و  
عمرمانه حرف میزدند حتی روزی من بر این حالت  
اعتراضهم کرده بودم ماه مارس گذشته آمد بریان  
بناسبت ناخوشی پدرش بگفته مرخصی خواسته و  
مقرری بگفته را هم مطالبه نمود  
آیا موافقت کردید

بله چون آمد بریان نویسنده بود برهنه و کار  
آزموده و کار شناس

### بوشهر

جناب موقرالذوله بعد از تصفیه و تنظیم بندر  
عباس و تبیین مصباح دیوان و سرکشی به بندر  
لکه یوم هفتم ماه رجب بسلامتی وارد بوشهر شدند  
دکتر انگلیسی یوم دهم اعلان رفع ناخوشی ماعون  
نمود. حال فراریان از ماعون کم کم مراجعت  
میکتند. بازار و دکانین متوح و شهر بوشهر بعد  
از تفرقه عموم صورت آبادی پیدا کرد

سه سار است که اول برج حوت تا آخربرج  
جوزا در این بندر متبر ناخوشی ماعون بروز و  
هرسانه جمعی از فقرا و بیچارگان بودی عدم رهسپار  
میشوند مع سالت اهالی در صدد علاج و حفظالصحه  
خود نیستند. اگر از طرف حکومت و اداره  
فراغینه برای منع سرایت ناخوشی اقدامی شود.  
اهالی اظهار کراهت نموده مرضا و اموات خود را  
از عیادت و تقییس داکتر پنهان میدارند

اهالی بوشهر از همه گونه مالیات دیوانی و عوارض  
بلدی معاف و مسلم هستند و مالیات مستقیم دیوانی  
عبارت است از همان عشوری که در مقابل دخول  
و خروج مال التجاره تادیه میشود آنهم بواسطه شیوع  
عمر قحاق چند سال است که نقصان کالی بدخل گمرک  
وارد آمده. عامه توقع دارند که این قبیل وجهه  
گمرک که سه ربع آن از عشور داخله ایران است صرف  
وجود آنها شود. امسال هم امتداد و هم اشتداد  
ناخوشی از سنوات قبل شدید تر بوده است عدّه  
اموات از اواسط محرم تا اواخر جمادی الثانی به  
موجب راپورت کلانتر ۲۶۰۰ نفر بوده است در  
سورتکه دو ثلث مردم متفرق بوده اند. هر ساله  
پرویز ناخوشی ابتداء از قریه جیری و باز ختم به  
همان قریه میشد. این قریه در جنوب شرقی بوشهر  
بفاصله خیلی کمی واقع شده و تقریباً دویست و پنجاه

سحر کاهان دیر می آمد بعد شنیدم که مادام زورس  
خیاطی خانه باز کرده میگفته شاید زورس بناسبت  
پرداختن کارهای زنت خویش دیر می آید و لهذا  
حرفی بکنم اما رفته رفته بناکرد خیلی دیر تر آمدن  
حتی روزها نیز بکریح ساعت بعد بکار خود مشغول  
میشد تا آنکه بشوه آمده و ندرزش دادم که در  
وقت کار باید سرکار خود باشد

احوال مالی زورس چه طور بود  
در صندوق کیانی ۲۵۰ فرانک و رفته نحوایات  
امانت داشت در آن مدت سه سال نه از موقع و  
حالت خود گله نمود و نه ازدید طایبانه اشرا  
خواست

آیا بیداید در بیرون باکیها نشست و برخواست  
داشت و چگونه وقت میگذرائید

چون من به اینگونه حالات دلپسنگی ندارم لهذا  
در این مدت از احوال خصوصی و حرکات مشار  
الیه نجس نکرده و اضلاع هم نگرفته ام اگر چه  
از دور میشنیدم مادام زورس با برخی کسالت نا  
شناخته آمد شد داشته و بقره خانه میروید ولی  
چون حق مداخله باین جور کارها را نداشتم در  
صدد باز پرس هم نشدم و من خودم دیده که  
مزبوره باین شخص نغمند و بلند قد خوش  
اندام نشسته آب جو میخورد شخص مجهول چند  
مرتب دست مادام زورس را گرفته و اتصالا سر بر سر  
گذاشته حرف زده و گاه گاه میخندیدند احتمالت  
در میان مناسبت عاشقانه داشته اند فردای آنروز یکی از  
همکاران زورس را صدا کرده استیضاح نمودم در  
جواب گفت که زورس باهمین شخص مجهول در  
یک خانه مینشستند و برای ناسین بکباب خیاطخانه  
معدت نقدی هم بمادام زورس دارد بعد ازان که  
مشار الیه را توفیق کرده آن گاه شنیدم شخص  
مجهول که با مادام احتلاط داشت از احتیلابیون  
بوده است و همه کس میگفت که زورس با احتیلابیون  
ارامه مذ نسبت دارد بعد ازان هم چیز را بیاید  
آوردم زورس باینکی از نویسنده های کیانی ( و را  
شاخ کند برین ) نام ملاقات میکرد معلوم میشود  
نست پنهان در مباء داشته اند

کند بریان نیست

بگفتار ارمی جوان. در همان منزل با بلنریکی

خانه دارد، زمین آفت سبب و بواسطه کنار ساحل بودن خیلی نمناک و مملو از قزورات است اهالی این قریه قابل ملاح و مابقی معامله گران اغلب مشغول به عمل قاجاق هستند و چند نفر سرمایه دار مشغول معامله لباس کبینه از کراچ و بحرین میباشند و همین معامله نیز سبب ناخوشی و از آنجا بشهر و سایر نقاط دیگر شده است. و ما امیدواریم که حکومت محل و بنجار محرم برای جلوگیری این مرض که اسباب هلاکت جوی میشود از وسعت سال آینده نفقت نمایند و تا وقت در دست میباشد شروع بسلیاب نمایند و اقدامات نافعه بردارند و مردم جاهل را بحال خود واگذار قانون نمایند

تشکیلات ژاندار می ایران

در خصوص تشکیلات مدرسه ژاندار مری دولتی مقرر میباشد

۱ مقصود از تاسیس مدرسه است که تعلیمات لازمه خدمت ژاندار مری بشاگردان مدرسه ژاندار مری داده شود

۲ چون اساس و مبانی خدمت ژاندار مری متکی و مبنی به نظم و اطاعت مطلقه است نتیجه تعلیمات مزبوره آن خواهد بود که حسن اطاعت مطلقه را نسبت برؤسا و صاحب منصبان مافوق مراتب و خدمتگذاری دیلین خاطر شان ژاندارم نموده و تکالیف اختصاصی ژاندار مری را با ویاموزند علاوه بر تربیت نظمی و انضامات مخصوصه ژاندارم تعلیمات عمومی نیز موافق پروگرامی که وزیر داخله حکم آفت را صادر خواهد نمود بشاگردان آموخته میشود

تشکیلات مدرسه

۳ رئیس معلمین منتخب و ناظم مدرسه خواهد بود و ازین رو ملاحظه را چه به خدماتی که در این تعلیم نامه درج شده است بر رئیس مدرسه اظهار خواهد نمود

۴ وزیر داخله يك نفر صاحب منصب خارجه را برحسب پیشنهاد رئیس معلمین بسمت ریاست این مدرسه منصوب خواهد نمود

۵ بنیر از شخص رئیس مدرسه اجزا منحصه ذیل نیز در مدرسه منصوب خواهد شد  
۱ چهار نفر صاحب منصب خارجه

۲ - ۲ نفر ضعیف  
۳ - ۳ نفر آجو دان مترجم  
۴ - چهار نفر مترجم  
۵ - یک نفر منشی برای رئیس مدرسه  
۶ - یک نفر معلم مدعی  
۷ - یک نفر معلم ایران برای زبان فارسی  
۸ - یک نفر معلم حساب  
۹ - چهار نفر شاگرد که بجهت صاحب مناصب تعیین شده اند

۱۰ - دوازده نفر صاحب منصب از قشون ایران یا از دسته ژاندار مری خزانه  
چهار نفر شیپورچی  
دو بست نفر ژاندارم سواره  
چهار صدو بست نفر ژاندارم پیاده  
یک نفر مباشر اصطبل  
یک نفر آشپز  
سه نفر شاگرد آشپز  
یک نفر پیش خدمت که همیشه حاضر خدمات رئیس باشد

یک نفر اوردنس که مواظب خدمات رئیس باشد

اشخاصیکه در نمره ( ۱ ) ذکر شده اند برحسب تعیین وزیر داخله منصوب میگرددند  
اشخاص نمره ( ۲ ) برحسب درخواست رئیس مدرسه از طرف رئیس معلمین تعیین میشوند  
اشخاص نمره ( ۳ ) بتوسط رئیس معلمین باریس مدرسه سپرده میشود  
اشخاصیکه نمره ( ۴ ) را رئیس مدرسه

متعهد و بخدمت نمی کارود

۷ رئیس معلمین میتواند موافق تجربه و اطلاعاتی که از جریان مدرسه متدرجا بدست خواهد آمد نظر بلزوم و فائده مدرسه در اعضای و هیئت مدرسه و مامورین تعایم تغییرات و تبدیلات لازمه را بدهد

۸ شاگردان مدرسه يك باطالیان تشکیل میدهند  
تکالیف رئیس مدرسه

۹ رئیس مدرسه که مدیر تمام امورات مدرسه است تعلیمات کلیه را شخصاً مرتب داشته انتظام

از عهد بر آیند و در ضمن تعلیم خط نسخ و نستعلیق هر دو را بیاموزند

فرماندهان گروهان توسط معذین غیر نظامی و صاحب منصبان و نفرات باتفاق یکدیگر ترتیب تطبیقات را مرتب خواهند داشت

مقصود از دانستن حساب آموختن چهار عمل اصلی حساب است

مقصود از مواظبت لباس آن است که عموم قهرات مواظب لباس خود بوده همیشه ملبوس خود را تمیز و مرتب نگاهدارند و بواسطه تزیین لباس ضرر بدولت وارد نیاروند

غرض از تعلیم حفظ الصحة تحصیل مطالبی است که هر کس ترتیب حفظ صحت خود را بداند بخصوص در موقع مرض و بعد از مرض و نیز چون کسی زخمی شود توجهات فوری ابتدائی را تا رسیدن جراح و طبیب بیاموزند از قبیل بستن زخم و غیر آن

مشق سواری از برای آن است که نفرات در موقع سواری براسب مسلط باشند و بر اندازه که لازم شود بر سرعت حرکت است و نگاه داشتن آن قادر باشند و بتوانند باین دست جلو اسب را نگاهداشته بهر قسم که بخواهند برانند بعضی اینکه در جنگ با دست دیگر شمشیر را کاف فرمانده خواه سوار آنها باشد و خواه در جزو قسمتی جنگ نماید در ضمن این مشق سوار باید خود طبیعت و عادت اسب خود را بفهمد و این مطلب را ملاتفت باشد که زیاده از اندازه نباشد اسب را بزحمت انداخت

غرض از مشق دستجات قسمتها آنست که طبقات قشون انواع مرشها و حرکتها و ترتیب جنگ را بیاموزند

مقصود از ترتیب نظامی اسب آنست که اولاً لزوم ضریق حفظ صحت اسب را آموخته و ثانیاً اسب را بر حسب اقتضای اعمال نظامی تربیت و ممتاز نموده و بواسطه توجه در علیق و تیار و و گردش قوت او را افزوده با خود مانوس نماید و او را عادت دهد که در موقع نعل کردن و تیار و بستن براق و سواری تحمل و برد باری کند اسب های تشونی را در وقتی میتوان گنت کلاماً

تربیت و تعلیم شده اند آنچه در رکاب مشق سواری نوشته شده آموخته باشد و در سواری بردباری و رهوار بوده بر میزان سرعت که بخواهند حرکت نمایند و از هر قبیل موانع جستن نموده تحمل براق و بار را نمایند

تعلیم بیعساری از برای آنست که عموم نفرات توجه اسب را آموخته امراض جزئی او را بتوانند تشخیص نمایند بهلاوه گاهی بتواند اسب خود را نعل بندند

فرمان سلطانی

ترجمه فرمان عظیم الشان اعلی حضرت اقدس السلطان ابن سلطان الحاقان ابن خاقان ملاذ الاسلام والمسلمین سلطان محمد خامس رشادالدین خداداده ملکه و دولت که راجع بامر امامت و خطاب جناب مستطاب عمده النضلاء آقا شیخ ابراهیم امام جمعه و جماعت طایفه عرب ساکنین بندر ابوشهر شرف صدور یافته و در محضر مخصوص بحضور علمای اعلام و اعیان و تیسار ذوالاحترام و غیرم تلاوت و قرائت گردید ، حضار بجناب بمنزله تبریک و تهنیت گشتند

چون سابق بر این در بندر ابوشهر مرحوم عبدالله آقا انشاء و بنای یک جامع شریفی را بجهة امامت و خطابت نموده و در آن اوقات جامع مذکور را خطیب و موقوفاتی معین نداشته ، بناء علیه پس از وقوع امتحانات و نبوت اهلیت و صلاحیت و تفویض امر امامت و خطاب جامع مذکور را بجناب شیخ ابراهیم افندی ابن مرحوم شیخ عبدالله زید صلاحه داشته شده و از طرف ولایت بصره وسیدکی و تحقیقات لازمه بمخصصات جوامع و تقسیم املاک دایره بانجا وقوع یافته پس از آن مبلغ پانصد غرض بنام ماهانه در حق جناب شیخ ابراهیم افندی موسی الیه بر قرار و تخصیص یافت که آنرا از آنجا گرفته و دریافت نموده صرف مصارف امامت و خطابت و تدریس و فرش و تنویر جامع مزبور نماید ، نظر به تنظیم این مطلب در محکمه اوقاف و به اشاره مقام منبع شیخ الاسلامی موافق نیدر ندیده لدی الرض اجازه و اذن هایونی خاقانیم بحامل این توقیع رفیع و امر جناب شیخ ابراهیم افندی زید صلاحه راجع

بامر امامت و خطابت و اقامه صلاوة جنبه و عیدین متبرکاً بتاریخ بیست و یکم شهر ربیع الاول ۱۳۳۰ مفوض و واگذار گردید و این فرمان بدستخط هایون شوکت منزون شاهانه ام راجع بامر امامت و خطابت و تدریس و امثال در سنه مذکوره و توجیه این برات هایونی شرف صدور و سندوح یافته که شیخ موسی الیه حسنه بامر امامت و خطابت نیمناً و متبرکاً اقدام تمام و تمام در اجرای این خدمت فصور و فتور و تکامل نورزیده - اقدام زیاده تخریرا فی بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۳۰

پس از قرائت و تلاوت این فرمان در مجلسی که حضار مرکب از علماء و اعیان و تجار عرب و عجم شیعه و سنی می بود همگی دست بدرگاه حضرت متعال برداشته. جناب حسین افندی وکیل شهبندی ادعیه آنبه را خوانده و همگی از صمیم قلب آمین گفته پس از صرف شربت و شیرینی و ادای تبریک و تهنیت بجناب فضیل نصاب آقا شیخ ابراهیم مسرورا متفرق شدند

( الدعاء )

اللهم اید هذه الدولة العلیه و سد هذه السلطنة السیه و احفظ وکلاء دولته من التلمیه منهم و السیفیه و انصر الحیوس و المساکر العثماییه البریه منهم و البحریه و احرس عموم المجامدین و المجامین لثغور الاسلامیه و دمر اعدائهم و محاربهم من الکفار الحریه ثم احفظ اللهم وجود السلطان المظلم و خاقان المنظم و شاد الملة و الدین من سلسله جليلة العثماییه المجرای فی عصر قانون المساوات بین كافة الرعیه و انتشر العدل بینهم و الاتحاد و الحربه شعرا

محمد الفضل سلطات الندایة من

عنوان الخامس الداری بلا بدل

جاء بالنصر و التأيید خالقنا

هو الاخير اه فضل علی الاول

بعصره فی الملاء حربیه ظهرت

ظهور نار القرى لیلأ علی جیل

ثم اید اللهم الحكومات و الدول الاسلامیه لاسیما الدولة العثماییه و الابرایه و فضل علیها بالامنیة و الاستقلال الابدید ثم فضل علی علماء الحاضرین و الفضلاء الجالسین بالترویج الاحکام الشرعیه و نیارک لجناب شیخنا

الشیخ ابراهیم بنشر فیه هذه التشریقات السلطانیه والمرجو من خالق البریه استمرار هذه الوظیفه مع الزیاده فی حقه و كافة الذریه اقول شعرا

اذا کانت مسدحاً فالشیوخ مقدم

فشیخ ابن عبدالله اولی و اقدم

بقوله بالاضل من لا بوده

و یقضی له بالاعد من لا یحجم

امام خطیب ذوالنضیه و التقی به یتد ذکر الجمیل

و یحتم - والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد

و آله و صحبه اجمعین

در کشور چین چیا میشود ؟

چینیان که هزاران سال در زیر بار کراف استبداد فشار خورده بودند از بر تو اختلال اخیر نائن حریت شده و تاسیس جمهوریت کردند مسلمانان آن کشور که در میان عناصر مختلفه خیلی اهمیت دارند آنها نیز عزم کرده که ازین انقلاب استاده نمایند و برای تحصیل و تاسیس حقوق مسلمانان اقدامات لازمه را درینج نداشته اند از قراریکه روزنامه ( وقت ) منطبه ( اور پور ) مینگارد مسلمانان چین بالاتفاق خواستار نامه درست کرده بحکومت مرکزی ( پکن ) تقدیم نموده اند موادیکه در آن کاغذ نوشته شده بقرار ذیل است

نخست - برای نگاهداری احتیاجات دینی و امورات همه مسلمانان چین در پایتخت نمائت تهیه بکنتر شیخ الاسلامی تاسیس کردن و در زیر اداره همان شیخ الاسلام مجلس مخصوص شرعی و اداره اوقاف و بکنتر وکیل درس و بکنتر امین فتوی نائب شرع بوده در همه بلاد چین قاضی و منق و شیخ و متولی و مامورین سائر از طرف شیخ الاسلام عزیز و نصب شدن . و انتخاب شدن شیخ الاسلام از طرف همه اعالی اسلامیه چین و در مرکز هر ولایتی که سکنه اسلامیه دارد یک نفر حاکم شرع معین نمودن

دویم - همه مسلمانان چین آزادی آئین بخشدین و در خصوص اداره امور دینیه آزادی تمام به مسلمانان دادن

سیم - مامورین شرعیه و مایه علوم معنوی خدمت عسکری بدن

چهارم - حتی به مسلمانان دادت برای اینکه

چین و فرستادن طلاب و شاگردان اسلام برای تحصیل بفرنگ بحساب دولت چین شانزدهم - مسلمانانیکه بخدمت لشکری گرفته میشوند اینجابات دینیه آنها را مرعی داشته و مساعدت نمودن بعبادت و طاعت آنها

هفدهم - در سرباز خانها مسجد ساختن و در ترفیع مراتب صاحب منصبان مسلمانان و چینیان را برابر دیدن

هیجدهم - در هر سال ماه صیوم رخصت بسر بازان اسلام دادن که بخانهایشان بروند همین خواستار نامه که عرض شد بنام همه مسلمانان چین بحکومت داده شده نظریه سرشناری رسمی بحکومت چین مسلمانان آنکشور بخواه و بچشمیون هستند، اما خود مسلمانان ادعای این را دارند که هفتاد میلیون میباشند ۴۵۰ میلیون مسلمانان ازین ۵۵ میلیون با زبان چینی حرف زده و عرقاً هم چینی خاص هستند و اینها را (دونگان) مینامند. و ده میلیون نیم هم با زبان ترکی سخن میگویند و چون اکثر دواگانها نوشتن و خواندن لسان چین را میدانند لهذا در نزد حکومت چین سخنانشان نفوذ دارد. معلوم است که حکومت چهارم وری چین درفش نازة بزرگه است - درفش مذکور بفرنگ دارد سفید، قرمز، سیاه، سبز، زرد، و ورنک سفید بتمسراسلام. قرمز قط بتمسراسلام، سیاه به عنصر مانچو، سبز به عنصر تبت، زرد برای عنصر مغول نشانه مخصوص بوده است.

## (اطلاع)

جمله حاجیان که از راه کراچی بقصد حج میسر می کنند مطلع باشند که در کامرات که آنجا قرنطینه مقرر شده است ممکن است که ایشانرا در بهم رسانیدن اشیاء خوردنی تکلیفات رونماید بدین جهت جمله حاجیان را صلاح داده میشود که همراه خود خوراکی داشته باشند که زود خراب نشود و برای ایشان کفایت کند - محکمة محافظ حجاج کراچی

عبدالقادر عمرخان

محافظ حجاج کراچی

بتوانند در هر جائیکه بخواهند مکتب و مدرسه و مسجد و خانقاه درست نمایند

نهم - برای گرد آوری اعانه ابجهت مکتب و مدرسه و مساجد مساعدت باها نمودن

ششم - نباید از اوقاف اسلامیة مانند املاک خصوصیه از طرف حکومت معامه بشود، اوقات مسلمانان مثل معاند بخرسین از رسوم و مالیات معاف بوده و امورات اوقاف و شرائط واقف باید از طرف اداره اوقاف که در بکن است اداره بشود

هفتم - هرگونه مساعدتیکه بروحانیون مجوسی بخشیده و خواهد شد استفاده مسلمانان هم از ان مساعدت بوده و زمانیکه بروحانیون مجوسی از طرف حکومت مقرری و معاش معین شد با داورین شرعیة اسلامیة هم همان قرار را مرعی داشتن

هشتم - اوامر که برای البسه و تبدیل قیافت کپه از طرف حکومت نشر میشود نباید مسلمانان آن اوامر مجبور گرفته بشوند

نهم - بسیاحت خارجیة مسلمانان مانع نمیتوانند برای تسبیلات حجاج بیت الله الحرام که از چین بحجاز میروند ممانعت حجاز و چین در بندرات بزرگ نمین کردن کار برداز و کار بردازخانه های چین برای فرستادن سفرا از چین بحاکم عثمانی و از عثمانی بمملکت چین معامه مخصوص منعقد داشتن. مدت بسابورط را از شش ماه تا یکسال تمدید نمودن

دهم - در خصوص انتخاب وکلا بمجلس مبعوثان چین و موسسات سائره مساوی ترفیق حقوق مسلمانان و چینیان

یازدهم - برای مطبع و کتابخانه و تاسیس قرائخانه عمومی و نشر کتب و روزنامه و رسائل موقوتة حریت کامل بمسلمانان دادن

دوازدهم - در هرگونه حقوق مساوی بودن چینیان و مسلمانان

سیزدهم - رجوع طووریت نسبت به اهلیت و استعداد مسلمانان در دوائر حکومتی

چهاردهم - خصوصاًیکه بحکومت چین بمکاتب

چین خواهد داد بمکتهای اسلام هم بدهد

پانزدهم - بزیرفیق اولاد اسلام بمکاتب

( تبریک )

جناب مستطاب قاضی عبد العلیف که از خاندان جلیل اسلامی اوده و پانزده سال است بمعارف اسلامی مشغول و مؤید و مترجم اداره اسلامی جبل المتین است از طرف دارالعلوم شرقی امریکا ( اورینتال یونیورسیتی ) درجه ماسزاف آرنس ( ایم - ای ) را پس از امتحان کامیاب گردید و مشغول به امتحان داکترآف فلسفه میباشد . توفیقانشان را از خداوند مسئلت می نمایم . از طرف دارالعلوم مذکور ، در بنکال ، ممالک متحده آگره ، اوده ، و پنجاب نماینده قرار یافته که معرفی از طلابی که میخواهند در دارالعلوم مذکور امتحان بدهند بذریعه ایشان بشود تاریخ جنگ ضرابلس که بنازکی نگاشته آمده و همین چند روزه از اداره جبل المتین اشاعه خواهد یافت مرتب شده ایشان است و مکمل بودن کتاب مذکور را همین بس که ریخته قلم چنین فاضل آگاه میباشد

اگر ملت قدر دای از این تاریخ بی نظیر بنماید امید است که در آینده تصانیف مفیده بنگرانی ایشان از این اداره اسلامی اشاعه یابد و چون هوا خواهان اسلامی و دوستان صمیمی اصرار دارند بر اینکه یک روزانه اردو که از هر جهت کامل و در حقیقت گرده از اخبارات اروپا باشد و بالاصاله رفع حاجت ملت از کسانیکه انگلیسی نمی دانند بنماید اشاعه یابد . و نظر بر اینکه پس از زحمت دوازده ساله اعضای این اداره اسلامی حروف نستعلیق برای چنین خدمت مهمی تکمیل یافته امیدوار است که بزودی تحت نگرانی چنین فاضل مطلع روزانه بزبان اردو اشاعه و این نقیصه هم از معارف اسلامی هند دور گردد

تذکرات راجعه عثمانی

بحسب تذکرات روم قشون ایتالی در سربلس بعد از جنگ سخت قبضه بر ( مصر عطا ) نموده عاقبت قشون ایتالی مجبور گردید که با سر نیزه تفنگ حمله بمخمس نماید و از طرف ترکان هم مقابله سخت پیش آمد آخر پس از گذاردن بسیاری از کشتگان خود ترکان مجبور شدند بداخله صحرا عقب نشینند - از طرف ایتالی ۹ مقتول و ۱۲۱ مجروح گردیده است محمود شوکت پاشا وزیر جنگ عثمانی از عهده

خویش استعفاء نمود چه حیثیت خویش را در موقع اغتشاش البانی حفظ نتوانست کرد

بطریق ونوق بیان شده که امید قوی میرود که عنقریب جنگ عثمانی و ایتالی دوستانه خاتمه پذیرد چه سعید حلمی پاشا رئیس شورای دولتی ۳ جولائی بطرف ویانا رهسپار آمده است و همچو تصور می شود که در این سر مشارالیه ممکن است بیزدوئین عثمانی و ایتالی بلا واسطه مخبرات صالح پیش آید باب عالی ناظم پاشا را بوزارت جنگ نامزد فرمود

بحسب خبریکه از اسلامبول رسیده معاملات سخت بنظر می آید چه باکمال شدت مخالفت با اتحاد و ترقی میشود . شهرت دارد که انجمن اتحاد و ترقی سعی است که با قوت مقاصد خویش را از پیش برد و چیزیکه خیلی سخت دیده میشود عنصر مخالف پیشتر لشکری و همه روزه در ازدیاد است ازین رو غیر ممکن است قانون جدید نافذ شود یعنی سزا بخشد افراد قشونی را که شمولیت در پاتریک نمایند

( جبل المتین )

ناظم پاشایکی از رجال قابل مقتدر عثمانی در جنگ بلونا و سال گذشته والی بغداد بود و در زمان مختصر ولایت خود شوکت و اهمیت عثمانی را در عراق عرب خیلی افزود و عاقبت بدسایس دستهای خارجی با شرکت دستهای داخلی اهالی بغداد بر وی شوریده مزول گردید و از طریق بمبئی باسلامبول رهسپار آمد - ناظم پاشا برای اصلاح ادارات جنگی از رحل مقنم عثمانی بشمار است ولی شبه بست که در این موقع نازک تبلیحدگی محمود شونت پاشا که خدمات نمایانش در جنگ یونان بدولت عثمانی طاهر و مؤسس مشروطیت سلطنت آل عثمان و خلع کننده عبدالحمید است برای دولت عثمانی فال نیک بشمار بست .

محمود شوکت پاشا در موقع اغتشاش اول البانی بدیضا نمود و در فرو نمودن بغاوت و بلوای بن ابراز لیاقت و قابلیت داد - انجمن اتحاد و ترقی را پشت گرمی به این وجود محترم است - محمود شوکت پاشا را عقیده این است که با وضع کنونی

رسیده تمام سازش شاه برستان را دولت عاقل و باطل نمود و بسیاری از آنها را گرفتار و جاعل هم که در سرحدات اسپانی فرار کرده بودند دولت مشارالیه آنها را باز گردانید

فرمانی از جانب امپراتور روس در برسبرگ اشاعه یافته در موضوع قوای بحری تحت توجه ظاهر مبدار روزیکه مسوده قانون تکمیل بحری روس از دوما گذشت روزهای تاریخی روس بشمار است بواسطه جنگ نقصانات عظیمه قوای بحری روس وارد آمده باین زخمهای بزرگ برشود و قوای بحری روس به بیانه تکمیل یابد که موافق شان و شوکت دولت باشد

وکلاهی برلمان انگلستان تماشای نمایش جہازات جنگی را نمودند سی هزار نفر فقط در جہازات مشغول تماشا بودند و در ساحل عدہ تماشایان چند بود معلوم نیست - ۳۳ جہازات جنگی زره پوش و ۵۱ کروزانر و ۱۱۸ از اقسام مختلفه جہازات جنگی موجود بود. بین عمده جانیکه توك کار گشته و مزدور و اینکه کار میکردند در لندن بمقام ترسخانه سری جنگ پیش آمده جم ساعت بار و الوار با یکدیگر مقابله میکردند جماعت پلیس زیاد هم حاضر بود

نطق سرادوردگری در دارالتورای ملی اتریش يك به برلن انداخته المانیات اظهار اطمینان میبایند - جنان بیان میشود آلمان هیچ عذری نخواهد آورد که بصره آخرین نقطه راه آهن بغداد قرار گیرد

بر حسب خبریکه از سری جوان به شنگهای رسیده اهالی تبت بر ( لیانک و بیانک ) قبضه و در لیانک ۸۰ نفر از قشون ساخو چین را بقتل رسانیدند. قشون چینی مجدداً لیانک را متصرف شد و ۲۵۰۰ قشون چینی به تبت فرستاده شده است

### تذکرات واجبه به ایران

کلکتر (منتظم) کراچی بداره بلدیہ قبل از وقت سفارش نموده برای خریداری اراضی ورگ رود استیشن که آخرین نقطه راه آهن طواری ایران خواهد بود، چه در آینده قیمت آن زیاد تواند گردید دولت ایران تسلیم نموده است که تا مقصد نفر قزاق ایرانی در تجرین در تحت دو افسر

صلح عثمانی با ایتالی جایز نیست و استقامتی هم که در این مدت شده این نکته را بخوبی ظاهر مبدار - برخی از کهنه برستان رجال عثمانی که گویا راحت صلیبی را از مرشد خود شان عبدالحمید سبق گرفته اند مان به صلح شده قیام محمود شوکت پاشا را بیده وزارت جنگ مناسی با مقصود خویش دیده جنین اسپانی را پیش آوردند و الحقی در این موقع نزاکت اختلاف سایر طبقات و احزاب سیاسی عثمانی را با اتحاد و ترقی جز بدیختی مسلمانان چیز دیگر نتوان گفت - حزب اتحاد و ترقی در عثمانی همان مسلک و عقیده را داراست که در ایران حزب دموکرات دارا میباشد - گویا خارجیان به نفوذ این حزب رضا داده ماسد ایران می خواهند مضمحل سازند، در هر صورت رموز دامن بخون می دانند همان قسم که انگلیسان در مسلک سیاسی خود در ایران شکست قحش یافتند اگر حزب اتحاد و ترقی مضمحل شود در عثمانی هم شکست خواهند یافت

### ( تلگرافات مهمه )

شاه برستان برتکیس حبه بر (والکاکا) و راه آهن را قبضه نموده ، قطع مخابرات تلگرافی و آمد و شد راه آهن را کرده جنگ حری گردیده است. همینکه قشون دولت رسید شاه برستان فرار نمودند جنرل گواررد فرانسوی با چهار بتالین توپهای کوهستانی هتم جولائی شباه از فیض حرکت و حبه بر مدعی جدید سلطنت نمود - از ساعت چهار تا عصر جنگ جاری بود، دو هزار که غالب آنها مسلح بودند کشتگان خود را گذارده فرار نمودند و اموال زیاد شمیمت قشون فرانسه گردید. فرانسویان را بدو از کامیابی مدعی جدید سلطنت تشویش بود اداره بحری آلمان خواهش نموده است که یک دسته جہازات جنگی دیگر باید ترتیب شود و قوت آن بقسمی باشد که در هر نقطه بخواند بیرق آلمان را مرتفع دارد

مجدداً دور (جوینز) کپتان کوسبرو که ریاست جماعت شاه برستان را داشت با اردوی مشروطیت برتکیس جنگ نموده شکست یافت دولت برتکیس حکم باجراحی قانون عرفی نمود - بر حسب خبری که به هندوستان از حکومت مستعمراتی برتکیس

روسی بگذارد مشروط بر اینکه قزاقان تحت امر وزارت جنگ ایران باشند - چون ایران در تشکیل قزاق رای تبریز رضاداده امید مبرود که دولت روس قشون خود را از تبریز عودت دهد سردار جنگ بحکومت بهبهان و کلبه بختباری نامزد آمده ، بانک شاهنشاهی هفت هزار لیره بطریق قرض پلو داده تا در برقراری امنیت کلمیاب آید بخار شکار پوری که در جنوبی ایران تجارت دارند از عدم امنیت طرق و دزدی شکایت نموده اند که تجارت آنها نقصان میرسد با اینکه قونسل انگلیس مقیم بندر عباس تکلیف نموده بود که طاعنه يك مرتبه قافله های بزرگ تجارتي حرکت نماید تا ضمناً انتظام امنیت بشود و تجار هم قبول نمودند، اینک چندی است که مالالتجاره در بندر عباس افتاده هیچ گونه انتظامی دیده نمی شود، از این رو از مجلس تجارت کراچی کمک خواسته اند و مجلس تجارت کراچی بحکومت هند نوشته و توجه حکومت هند را در اصلاح این امر خواستگار آمده است و تحریک نموده حکومت انگلستان را هر قسم است متحرک سازند که در این موقع نا امنی ایران تدابیر معلومه برای تجارت اتخاذ گردد

#### اساسی اعضای کمیته اینو دیوس

( پاریس منبای راه آهن ایران )

( از طرف انگلیسان )

- (۱) سر ولیم گارستن - نائب صدر
  - (۲) سر آنهر لالی - حکمران سابق بمبئی
  - (۳) سر ولیم بست -
  - (۴) آنریل هیکوبارک - نماینده بانک بار لندن
  - (۵) وی کونت ارننگتن
  - (۶) مسز کبیل - نماینده فوربس فوربس کبیل کپای لندن و کراچی
  - (۷) مسز هسکل - ای دی سانسون کپای بمبئی
  - (۸) مسز ماکنس - بانک شاهنشاهی ایران
- ( از طرف روسیه )

موسیو هومباکوف - سابق صدر دومای روس

موسیو بنج - مهندس شهر روس

• لوف - والگا کرنا بانک

• پویلو اف - رشو ایشیانک بانک

• واکي شن دراسکی - بانک پطرسبرگ

• دانی مشا - مائزوف کپانی

• زوی جن تی زف - عضو دومای روس

( از طرف فرانسه )

موسیو رذیر

• نیک - بانک دی پاریس

• چاولی - بانک دی پاریس

یرن ماراس - کریدیت لائویس

موسیو فورتن مرالس - سوسایتی جنرل

مسز فشر - کپیتال سنیل دی اسکام

موسیو لاین - بانک پونین پیرس

کونت دی ازنو -

#### اقتباسات

والا حضرت ناصر الملک نیابت سلطنت به کرنل ریوت کارنک که سمت مصاحبت علیا حضرت ملکه وکتوریا و اعلیحضرت ادورد هتم را داشت نشان شیر و خورشید درجه اول عطا فرمود ، کرنل موصوف رئیس اداره انتظام تریاک هندوستان بود و از این راه ماهانه ملیونها بحکومت هندوستان فائده رسانید - بعید نیست که والا حضرت قصدشان انتظام تریاک ایران هم باشد

ایل شاهسون سه مرتبه بدافه قشون روس بر خاسته و هر سه مرتبه قشون روس را عقب نشانیده و نقصان زیادی زده است و چنانچه جزایب ترکی می نویسند از اضراف بجایه ایل شاهسون بخلاف روسیان جنبشی نمایان است

صمد خان شجاع الدوله نایب الحکومه تبریز اعلان نموده است که دولت ایران انتظام جلوگیری از ابل شاهسون کرده از این رو تجار را امر نموده است که بهر و مرور قوافل به بردازند که راه ها امن و امان است

والا حضرت ناصرالملک نایب السلطنه وارد ویاژه  
نگرید و عنقریب به پاریس و ویشی خواهند رفت  
و سپس عودت بایران خواهند فرمود

والا حضرت ناصرالملک بمهده نیابت سلطنت  
ایران بر قرار و امورات نیابت سلطنت هم در کابینه  
شان تصفیه می باند

روزنامه آفتاب مینویسد که سواران حضرت  
اشرف سپهسالار اعظم در خدمت خودشان عنقریب  
بایات آذربایجان خواهند رفت ( عقیده ما این است  
که حضرت اشرف سپهسالار اعظم در غیاب نیابت  
سلطنت طهران را خالی نتواند گذارد )

هنوز کابینه جدیدی در ایران تدارک نشده و پیشتر  
از وزارت های سابق در روی کار هستند و ممکن  
است در غیاب نیابت سلطنت تبدیل وزارت نشود  
بموجب نگرانی اخبار لندن کابینه وزرای ایران  
ظاهر میدارند که در صدد انتخابات وکلای مجلس  
دورانشورای میباشد و اینک چون نوم بلاد ایران  
امن و ممکن است انتخابات از روی سخت بشود -  
حکم به انتخاب وکلا خواهند داد .

ایل بهار لو جنوبی فارس را منشوش داشته  
و میگویند حکومت ایران جدا به تنبیه آنها بر  
خسته است

شاهزاده امیر اعظم والی ایالت کرمان و  
بلوچستان کاملاً به سرکوبی باغیان نائل آمده امنیت  
را برقرار داشته و عنقریب بجانب بلوچستان  
اردو تشکیل خواهد داشت

روزنامه ویلز می نویسد که یکی از شاه کار  
های سیاسی روس این بود که بر غالبیت  
عدم قابلیت و ایستادگی ایرانیان را ثابت نماید  
و ابراز هم مدردی که از هوا داران  
آزادی در اروپا از ایرانیان میشد کم سازد  
آن اقدام را به دو وسیله انجام داد - اولاً حمله  
به تبریز نموده و غالبیه مرتکب مظالم شده تا  
معلوم شود ایرانیان را حیثیات سیاسی معدوم

و ایشار نفس موجود نیست - و نیز حمله بر  
بقعه رضویه مشهد نموده تا ثابت میکنند که در  
ایرانیان حیثیات مذهبی هم موجود نمی باشد - و  
الحق در این دو مقصود روسیه کامیاب شد - و  
ایرانیان برعلیایان نمودند که ماده ایشار نفس در آنها  
نیست یعنی صفات جوانمردی و از خود گذشتگی و  
فداکاری که لازمه هر حریت خواه و خلقی است  
که بقامت آزادگان دوخته شده در ایرانیان موجود  
نمیباشد - حتی آن ایشار نفسی که اهالی مراکو و  
اعراب طرابلس نمودند شمه هم از ایرانیان ظاهر  
نگرید

### ( جبل المتین )

بضاهر آنچه را که روزنامه ویلز نکاشته قابل  
انکار نمی توانست قرار داد ولی کسیکه آشنا به  
سیاسات ایران می باشند این نکته را بخوبی دانسته  
که ایرانیان را رجال مرکزی جلو گیری کرده  
و نگذارند در این دو موقع ابراز فداکاری دهند  
و در هیچ میدانی بدون رئیس و قاید کامیابی ممکن  
نیست ، بی اگر در سیاست اقدامی نموده بخدمت و  
قرب بوده یعنی قایدین ملت و کسیکه دست در  
کار دولت بودند با خود مع نموده سپس باین  
اقدامات کوشیدند، برای اثبات این معنی بهتر ازین  
دلیلی نیست که وقعه مشهد حتی اهالی قرب و  
جوار خراسان تا وقتیکه روزنامه جبل المتین را  
ندیدند مطلع نگردیدند یعنی رجال دولت اقتضای  
وقت را چنین دیدند که این مسئله اهم را نگذارند  
بگوش ایرانیان داخله رسیده تا مبدا اسباب  
اشکالات سیاسی برای آنها فراهم آورند ولی در  
هر صورت اگر سهو هم از رجل ما بوده چون  
ایرانی بوده اند جز اینکه الزامات جرائد خارجه  
را بر خود قبول نایم جاره نداریم ، امیدواریم  
بزودی رسد انروزی که ایرانیان این ننگ تاریخی  
را از خود مرتفع دارند و بر علیایان به نمایند  
که هم دارای حیثیات سیاسی و هم احساسات مذهبی  
هستند - صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

چهل دین کاکته

مدیکل کالج استریت نمبر ۴  
HABULMUTIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STR  
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدیر  
کل مؤیدالاسلام است  
مزدوشنبه طبع  
سه شنبه توزیع میشود  
پوم دوشنبه

۱۴ شعبان ۱۳۳۰ هجری

مصادف :

۲۹ جولائی ۱۹۱۲ میلادی

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

روس و ترکستان

( معروف اداره درج نمیشود )

۱۰ منات - ۶ منات

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

۱۲ رویه - ۷ رویه  
ایران و افغانستان  
۴۰ قران - ۲۵ قران  
عمانی و مصر  
۵ مجیدی - ۳ مجیدی  
اروپا و چین

( قیمت اشتراک )

سالانه - شش ماهه  
هند و برمه

و کلاه حق اخذ ابوابه بدون قبض ندارند و تا وقتی که  
مشترکین را قبض مخصوص سال بیست دست نیانند  
قدما شان بری شناخته نمیشود

نازه مقدس

# الملتیك

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

( دستخط والا حضرت ناصرالملک )

( نایب السلطنه به وزراء نظام )

( حین حرکت به اروپ )

در این موقع که برای ضرورت عاجله مزاج  
عزیمت مسافرت موقتی دارم سابقاً مکرر بوزرای  
عظام زحمت داده ام ترتیبی را که برای مدت  
غیاب اینجانب صلاح دانسد پیش نهاد نمایند تا مذاکرات  
لازمه در اینباب بعمل آید چون توجهی نشده  
تاگزیر خود آنچه بنظرم میرسد محض یاد آوری  
اظهار می نمایم :

البته وزراء عظام موافق قانون اساسی وظایف  
نیابت سلطنت و مجلس شورای ملی و قوه مجریه را  
که عبارت از هیئت وزراءست کاملاً میدانند که  
نیابت سلطنت را قانوناً هیچ اختیار و مسؤولیتی  
نیست و تمام اختیار و مسؤولیت با قوه مجریه است  
و تکالیف نیابت سلطنت فقط عبارت از امضای  
قوانین مصوبه مجلس شورای ملی و فرامین نشان  
و امتیازات و مناصب عالیه و نامه ها و تلگرافات  
بسلطین و رؤساء ملل و بالاخره بذیرانی سفرا  
است .

با توجه در این وظایف بدیهی است که قلیل  
مدت غیبت اینجانب فرقی در جریان امور نخواهد  
نمود بلکه امید است که اضراضیکه در اینمدت متوجه  
اینجانب بوده تسکین یافته ضرر آن پیش از این عاید  
مملکت نشود .

در باب امضای لوایح قانونی میدانید موافق

قانون اساسی نظر اینجانب را مدخلیتی در آن  
نبوده و امضای آن حتمی است فعلا هم هنوز  
مجلس شورای ملی افتتاح نشده و بعد از انعقاد  
اگر لایحه قانونی فوری بگذرد ممکن است امضای  
آن را تلگرافاً از اینجانب بخواهند تا عین نسخه  
هم بعد امضا شود .

خلاصه مدلول دستخطهای فوری را هم تلگرافاً  
اذلاع دهند تا جواب گفته شود ولی اظهار این  
نکته را واجب میدانم که ( دکره ) برای اصول  
اداره مملکتی و احرای قوانین است که شایسته  
صدر دستور دستخط بوده و جبراً من الوجوه مخالف با  
قوانین موضوعه و منافی با وظایف قانون گذاری  
مجلس شورای نباشد .

امضای فرامین نشان و امتیازات و مناصب  
بزرگه فوری نباشد ممکن است موکول بانقضای  
مدت سرشده یا در صورت فوریت بتوسط سفارت  
ارسال دارند تا ملاحظه شود

نامه های فوری را هم تهیه کرده به سفارت  
مربوطه بفرستند تا امضا شود و چون در هر حال  
نامه ها باید بخارجه برود البته ارسال آن بتوسط  
سفارت با اینجانب اسباب تاخیر نخواهد بود .

تلگرافات تبریک و جوابها و اظهار حدیث به  
سلطین و رؤساء ملل را هم ممکن است وزارت  
امور خارجه بمسؤولیت خودش و بنام نامی اعلیحضرت  
قوبشکرت اقدس همیون شاهنشاهی خدایه ملکه و  
سلطانه و باضای این جانب بخارجه نموده این جانب

(ایضاً)

در وظایف نیابت سلطنت جداگانه شرحی  
نوشته ام

این مشروح نیز واجب بحریان امور دولتی است  
که آنچه بنظر می رسد برای یاد آوری اظهار  
میدارم

البته وزراء عظام بهتر میدانند با اینکه اینک اینجاب  
قانوناً اختیار و مسئولیت مداوم علاوه بر مراقبت  
یادای وظایف خودم که در هر مورد موافق نص  
قانون اساسی بعمل آورده ام هر وقت هم که مسرت  
ملاقات وزرای عظام درك شده در جریان امور  
از اظهار خبر و صلاح دریغ نکرده و در  
هر امری هیئت دولت وجهاً من الوجوه خود داری  
نه نموده ام ، اگر هم در اغاب مسائل کار تکرار  
منجر شده با اینکه تکرار مجروح نبوده باز این  
جانب ملاحظه نداشته عقاید خود را اظهار کرده ام  
حالا هم که موقع مسافرت رسیده توجه وزراء عظام  
را بچند فقره اساسی جناب مینمایم

در اخذت پروگرام های متعدد نوشته شده ولی  
در همه آنها مرام و آرزو مخلوط بصلیات بوده  
و به تجربه دیده شده که بر نتیجه مانده است چون  
پروگرام همیشه برای حل مسائل فوری است نه  
برای صحبت در آرزو و مرام

بنا بر این اینجاب بدانچه عملاً متضمن اصلاحات  
فوریه امروزه و لابد منه حفظ اساس مملکت است  
اکتفا نموده آرزو ملی مجدد و نالی آینده را  
بموقع خود موکول میدارم

بدیهی است هر قدر هم عقاید سیاسی مختلف  
باشند چون این مسائل اصل و اساس هستند البته  
محل اختلاف نمیتوانند بود

اینکه در این مدت و فواید مشروطیت استناد  
مکن نشده عمل عمده دارد

اولاً اشتغال با آرزو و آمال و غنلت از عملیات فوری  
نایباً اختلاط حدود و وظایف

ثالثاً اختلافات و تناقضات و استغراق در حلات  
و مضمریات بیکدیگر

بدیهی است که در سلطنت استبدادی منشأ تمام  
احکام از نقطه واحد است که عبارت از شخصی  
سلطنت باشد ولی در سلطنت مشروطه قوای مملکتی

را مستحضر میکند یا بخود اینجاب قبل از وقت  
اطلاع دهد تا از آنجا تلگراف کنم ولی یقین است  
که باید یکی از این دوشق را اختیار نموده مرتباً  
از همان قرار رفتار نمایند ،

در پذیراییهای رسمی نیز با حضور هیئت وزراء  
عظام و وزیر امور خارجه تشریف به حضور میبوش  
مکن است ، خطابه و منقح هم اگر لازم باشد وزارت  
خارجه بمسئولیت خودش نوشته و رئیس الوزراء از  
جانب سنی الجواب میبوشی قرائت میکند ، و باین  
ترتیب بدیهی است که امور فوری هیجوقت تعویق  
نی افند ،

میاید يك نکته که اظهار آن لازم است خبر  
خواهان این مسافرت را منی بر مقصد یلتیکی تصور  
کرده اند وزراء عظام کمالاً مطلقند که قصد مسافرت  
این جناب فقط برای معالجه مزاجی و بامید تخفیف  
امراض و حلات است ولی محض استحضار خیر  
خواهان همیشه در اشاره مینمایم که هر قدر هم استفاده  
در این موقع برای صلاح و سعادت مملکت ممکن  
باشد از آنجا که در مشروح همه تمام اختیار و مسئولیت  
یا وزرای عظام است انتظار این قبیل خدمات در  
هر موقع منوط بر این است که اولاً وزراء عظام  
نقشه و طرحی در کایه امور در نظر داشته باشند  
و همه را از آن اطلاع حاصل باشد و اقدامی را  
که مصاحبت مملکت میدانند بالاخراف مضامه و  
تطبیق با آن نقشه کای نموده تصمیم و تصویب  
نمایند تا مطابق آن بتوان مساعدتی نمود نایباً در  
این موارد باید بکنز وزیر مشول یا نمایند او  
همراهی و مشارکت نموده مسئولیت را بهمه گرفته  
ضری پیشهاد نماید و الا چنانکه معمول تمام ممالک  
مشروطه است شخص نیابت سلطنت مژرداً نمیتواند  
در امور دولتی مداخله کند ، بدیهی است با  
حصول این شرایط اگر خدمتی از این جناب بر آید  
بقدر قوه جد و جهد و اهتمام خواهد شد ، آنچه  
راجع بو ظایف نیابت سلطنت بود این است که  
لازم دانستم بادلاع وزرای عظام برسد ، در جریان  
امور دولتی نیز جداگانه زحمت داده ام و امیدوارم  
مورد توجه و دقت شود ( ابوالقاسم )

که اصول آن قوه مقننه و مجریه و قضائیه است  
تفکیک میشود و وظیفه هر کدام معین و معلوم است  
مشروط بر اینکه (سولداره) یعنی تناسب کامل و  
ربط و اتفاق با یکدیگر داشته هر یک متوجه یک  
مقصد واحد باشند تا مجدداً او قوه واحد حاصل  
شود باین معنی که تجزیه و تقسیم قوا برای  
تعیین وظایف مستقیمه وای مسابقت و تفریق

در اینجا اولاً با اینکه قانون سلب اختیار و  
مسئولیت از بیابت سلطنت نموده و دخالتی به او در  
امور مملکت نداده معذالک متصل مورد حمله و  
مسئولیت بوده و ایداً مدافعه از آن مقام بعمل  
نیامده، ثانیاً قوه مقننه که بایستی بدون مداخله در  
وظایف قوه مجریه مساعدت معنوی باو داشته باشد  
متأسفانه همیشه مداخله در حدود او کرده بواسطه  
سوء ظن او را ضعیف نموده است

قوه مجریه نیز بالذات توجه کامل باین نکته  
داشته که اختیار و مسئولیت در مشروطه با قوه  
مجریه است تا از روی جد و جرئت مسئولیت قانونی  
خود را کفالت نموده قویاً از عهده وظایف آن  
بر آید و قصور و تهاون را از خود دور کند و  
چون مهمترین قوای مملکتی عبارت از قوه مجریه  
است و دولت بهان قوه مجریه ادسلاق میشود  
زیرا که متصل در کار است و هر روز و هر ساعت  
باید عملاً اجرای وظایف کند، البته ضعف و قصور  
آن اسباب قصور تمام قوای مملکتی است

قوه قضائیه نیز با اینکه محل حرف است که  
آیا مستقل با جزء قوه مجریه است چون در هر حال  
در تحت نظر وزیر مسئول است و بواسطه دوا بر  
مدعی العمومی در آن نظارت میشود البته اقلال ربط  
تامی با قوه مجریه دارد و باید دانست که اساس  
اهمیت قوه قضائیه بر علم و دیانت است و این دو  
صفت میتوانند قوه مزبوره را قائم بالذات بدارند  
پس تا جای قبل از آنکه قوانین عرفی مدون شده  
و روسای محاکم اشخاص مجرب و عالم با حکام شرع  
و عرف باشند باید دقت و نظارت مخصوص در آن  
پیشود تا حقوق افراد بقدر امکان مصون مانده لا  
محاله از این باب شکایت مردم کمتر شود -

بدین است از این نکات خلیل غفلت شده  
و هنر و تدور دولت نیز نتیجه همین غفلت است و

البته اینها سائلی نیستند که تنها به این جانب رسیده  
باشد بلکه همه خیر خواهان متوجه آنها بوده و  
هستند چیزی که نگذاشته است کسی، وفق باصلاح  
شود همان اختلافات و دشمنی و حلات و مفتریات  
و تهدیدات یکدیگر بوده که شغل شاغل مملکت  
شده هر خیر خواهی را از اظهار عقاید صحیحه  
مانع بوده و منحرف داشته است

معلوم است خود توجه باین معایب اول قدم اصلاحات  
است. بنابر این بر وزراء عظام است که  
در غیاب مجلس شورای ملی بدانند که زمام  
امور مملکت را قانون بدست ایشان سپرده و با  
توجه در اهمیت و عظمت این مسئولیت با نهایت جد  
و جهد و قوت قلب وظایف را در خیر و صلاح مملکت  
و آسایش اهالی قویاً اجرا نمایند تا ضعف و قصوری  
که بر قوه مجریه طاری بوده مرتفع و قدرت دولت  
در اطراف مملکت محسوس شود

بدیهت تحصیل جنین موفقیتی لایحاله منوط  
بر رعایت نکاتی است که ذیلاً مورد توجه خواهد بود  
۱ - سی در استقرار (سولداره)  
هیئت دولت

۲ - رفع اختلافات و رفع خودسری و مرج  
و مرج که منافی و مهلك آزادی حقیقی است و در  
این مدت منشاء تمام بلاها و حوادث امروزه بوده  
است و اهتمام در ایجاد حسن وفاق مابین افراد  
اهالی

۳ - حفظ شعایر مذهبی و رعایت عادات  
و اخلاق و مقتضیات مملکتی

۴ - صرف تمام حواس با وسایل موجوده  
با استقرار نظم و امنیت که لابد من جریان تجارت  
داخله و خارجه اسب و جلب امید واری و اطمینان  
قلوب عامه بر اینکه قوت دولت مصروف بخیر و صلاح  
و آسایش آنها است.

۵ - دقت در حسن جر یابث انتخابات  
که بر وفق صلاح و آرزوی عموم و آزادی عقاید  
جاری شود و بر وفق اضراض مخصوصه بطوری  
که وکلای ملت نمایند افکار و مظهر حقیقی نیات  
و احتیاجات عموم باشند و نظر شایسته بر صلاح  
مملکت باشد

۶ - توجه در اصلاح مالیه که اساس تمام امور

مملکتی است و بیش از همه در این باب غفلت شده و راه اصلاح منوط به تبیین و تصحیح جمع و خرج کل و تقویت و مساعدت در حسن جریان وظائف خزانه داری کل است که ترتیب اخذ مایه بطوری داده شود که عواید دولت بلا تقریب صحیحاً جمع آوری گردیده در مخارج نظارت صحیح بمل آمدن در وصول مالیات اجرای عدل شود ظلم و زیادتى وارد نیاید و مالیات دهندگان وسیله بربای اظهار مطالب حقه خود داشته باشند

۷ - اصلاح عدلیه که ضامن و حافظ حقوق افراد و مقصود اصلی از تمام اشکال حکومت است و علامت این تصمیم اقلای این خواهد بود که شروع بتاسیس بعضی محکمه های عرفیه بشود با اسباب صحیحه چنانکه در همه جا معمول است و از هر حجه دارایی شرایط و صلاحیت کامله و جلب اعتماد عموم و نمونه از محاکم دیگر باشد که بعد ها انشاءالله تاسیس خواهد شد

۸ - توجه تام در امر نان و تهیه ارزاق عمومی که اقلای از حیث معاش یومیه عسرت و سختی نمایند

۹ - سی عاجل در تشکیل قوه نظامی و توجه باینکه مفهوم دولت عبارت از قوت و قدرت است

۱۰ - مساعدت با ژاندارمری و صاحب مناصب سویدی که میدانید ایجاد آت برای استقرار امنیت اهمیت دارد و غفلت از آت منتج عواقب وخیمه است .

۱۱ - توجه در تشکیل هیئت مرکب از اشخاص عالم بی غرض بصیر و مستشارهای خارجی برای ترتیب اصلاحات ادارات و تهیه نظامنامه های صحیح زیرا که بزرگترین وظایف اولیاء دولت حسن ترتیب ادارات است بطوری که اعضای دوائر دولتی باندازه ضرورت کار و وسعت مالی مملکت تشکیل یافته مرکب از اشخاصی باشند که هر يك على قدر مراتبهم حسن مشاوت داشته امین و دوستکار و کافی و آلت مطیع اداره دولت باشند نه مطیع اغراض مخصوصه

زاید نمیتوانم اظهار کنم که هیئت فوق الذکر میتواند در تهیه قوانین عرفی هم که محتاج الیه امروزه است اهتمام نمایند تا بعد از افتتاح مجلس جدید شورای ملی به توسط وزراء عظام پیشنهاد شود تا قوانینی که از مجلس میگردد

از روی مطالعه و مربوط بایکدیگر باشند

( ابوالقاسم )

شهر جدای اثنای ۱۳۳۰

دستخط مبارك حضرت مستطاب آية الله

في الانام آقاي حاجي سيد مصطفي الكاشاني النجفي

منع الله المسلمين بطلول قايه

بسم الله الرحمن الرحيم

( يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة و لا

تبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين )

خدمت ذبهدات قاطبه اهل ايمان و عامه

مسلمانان و قهم الله تعالى لتصرة الدين

بعد از اسلام مخصوص عرضه میدارد مدنی است عالم

سلامت دچار انواع مخاطرت و مسلمانان گرفتار اقسام

بلیه و محنت گردیده بلکه هیچ زمان صدقات و لطافت

وارد بر اسلام را این طور نشان ندهد . اهل

بصیرت و خبر بخوبی واقف و مستحضرنند که قرون

عدیده و سنین مدیده میباشد که اجاب نهمت کاشته

و علم اتحاد بر افراشته که دول و حکومت اسلامی

را در معرض زوال و استقلال ایشان را قرین

اضمحلال و باین وسیله دیانت محمدیه صلی الله علیه

و آله را باهمال نمایند چنانکه بانواع دسائس و

حیل و یا بجنک و جدل اقطار عظیمه از ممالک

اسلامیه را مثل اندلس . هندوستان . غازان ققازیه

ترکستان - مصر - تونس - الجزائر - مراکش -

کریه . بوسنه - هرسک - بلغار - و غیره را برده

تحت سلطه خویش در آوردند و چند ماه

است مملکت و سیمه طرابلس غرب را به نهجم و

حرب اشغال و بتدل و جدال اشغال دارند و زمان

و مردان و افعال مسلمانان را مثل گوسنند ذبح

میکندند و ممالک دیگر دولت علیه عمانی هم هر یک محط

نظر دولتی و حبه بر آن موقوف با تهاز فرسوق

است . خداوند ایشان را قرین خراب و خبیت

سازد و آت را بحال و فرصت بدهد . و نیز

مملکت قدیمه ایران را میدان جولان خود قرار

داده و انواع حرکات ظالمانه و وحشانه و اقدامات

استقلال شکنانه را اعمال نموده و میبایزند . هنوز

شرار شرارت روس در روز عاشورا از قتل

نفوس و بیرحمی حتی نسبت به نساء و اطفال و بدار

کشیدن اهل علم و عمرمین و تخریب مساجد و خانه

و آتش زدن کاشانه در تبریز و رشت خاموش نشده

و آن اعمال ظالمانه فراموش نگردیده قضیه کبری

ورزیه عظمای مشهد مقدسه را واقع ساخته و آن

نوهینات و تجمرات را نسبت بروضه مقدسه وضویه

و اماکن متعلقه بان سده سنیه علی شرفها آلف السلام والتحیه باکمال جرات ترقی و مسیح مسلمین مرتکب شدد آن بقعه زکیه مبارکه که مطاف ملت اسلامیة و ملائکه است هدف گلوله های نوب و بموجب مکاتب کثیره نفایس و جواهرات آنجا مسلوب و منهبوب شد و آن قبه منوره که مانند مهر و ماه نامان نوربخش جهان بود از داغ نوب مانند کف از مرصرف بر آن نمایان گشت و از آتش باری آن وحشیان کساح آن امکانه مقدسه جوش خانه زنبور سوراخ سوراخ گردید و در این واقعه محنت انگیز و حادثه ملالت آمیز چه قدر خوف بیگناهان را در حرم مطهر و صحن و مسجد ریخته و خاک مذلت بر سر اسلامیان ریخته اند و این ننگ و عار ابدی را در صفحه روزگار بجهت ابرایسان ثبت نمودند

بلی این است. نتیجه شیوع اغراض شخصیه و اختلاف و عیسی و با این همه فشارها و صدمات گوناگون و ذلتهای از حد فزون و تجریاتی که حاصل شده باز مسلمانان سرگرم اغراض شخصیه و جنگهای ناشکی و همجانی در حال رقودت و خواب غفلت هستند که بزواجر هیچ موعظه حوشینر و بفریاد استغاثه اسلام بیدار نمیشوند. بلکه گویا عوض اجابت ندای استغاثه غربت اسلام کر عو و اضمحلال دیانت و هدر دادن زحمات حضرت ختمی مرتبت و پیشوایان امت صلوات الله علیهم را بسته و خاهر مبارک صاحب شریعت را خسته اند. آه چه نکبت و سستی و پستی است که هیبت مسلمان را گرفتار و چه ظلمتی است که افق اسلامیت را تیره و تار کرده. اگر مسلمان از این غصه ببرد یا آرزوی مرگ نماید که این روز سیاه را نه پند جا دارد.

کجاست غربت و حجت چه شد دیانت و اسلامیت؟ آیا وجوب حفظ بیضه اسلام از ضروریات دین مبین نیست یا آنکه کفار را مروج و هـوا خواه شریعت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله الطاهرین می بندارید؟ ای برادران تا کی به غفلت و راحت فستنه منظرید تا العیاذ بالله شریعت مقدسه محمدیه (ص) در محال اسلامیة بدیانت عیسویه و توحیده تثلیث و مساجد

بکلبا و بانک اذان بقرانه ناقوس و آئین اسلام بآئین انگلیس و روس مبدل شود و کعبه و مشاهد مشرفه مهدم گردد و زحمات حضرت خاتم النبیین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین و علمای راشدین و سلاطین با تمکین هدر رود. لا اربالله تملک الحال ولا یلقنا الی عذبه الاخوان

ای مسلمانان محض خدا و رسول (ص) تا بکلی زمام امر از دست نرفته شیوه اتحاد و شیمه محبت و وداد را پیشه خود نماند و از اختلاف و ستیز کمال احتراز و برهیز فرمائید. چه سرمایه نکبت و ذلت در هر ملت شیوع خلاف و نفاق و امالساد در هر مملکت انتشار نزاع و شقاق است. و این امر از بدیهیات اولیه و اضحات عقلیه است چنانکه شجره مخینه نفاق و خلاف را همه کس دید و شنید چه نتایج وخیمه و ماسد عظیمه در مملکت قدیمه ایران بار آورد چنانکه سرمایه عزت و رفعت و سعادت اتفاق و اتحاد است و تمام پیشرفت و ترقیات محیر العقول اسلام در بدو امر به حرکت آن بوده که مشق از مسلمین با نلت عده و ضنف عده بر سلاطین بزرگ عالم تفوق و اعتلا و غلبه و استیلا یافته و ایشان را ذلیل و پست و محال و وسیع آنها را زیر دست و صید شست نمودند هزار دریغ و اسف که مسلمین افتخار و شرف را از دست داده و به نفاق و شقاق آن محال و وسیع را پایمال کفکار ساخته و خود را به نکبت و ذلت انداخته اند.

تا آید آیه که در دین مقدس اسلام علی الصادع به آلف الصلوة والسلام در باب اتحاد و ایجاد اسباب الفت و وفاق و ترک موجبات نفرت و شقاق مسلمین شده در هیچ دین و آئینی نشده. قال الله تعالی ( واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و لا تنازعوا فتمشوا و تذهب ریحکم) و در وصف مومنین فرموده ( انما المؤمنون اخوة اشداء علی الکفار و رحاء بینهم ) آنچه مبالغه که در حضور جماعات و تشییع اموات و مشایمت مسافرین و زیارت واردین و تعزیت مصابین و عیادت مرضی و اعانت مساکین و اعانت مظلومین و قضاء حوائج و اجابت مومنین و مصافحه و تواضع و افشاء سلام و رد تحیه و حسن خلق و نیکی معاشرت و صبر و حلم و عنو و کظم غیظ و عدل و احسان

و وفای بوعد و اجتهاد در هر سینه از هر بلد دور و نزدیک بیک معظه زاده الله عزاً و عظیمه شده یکی از حکمت‌های بزرگ آن اطلاع و استحضار از حال برادران و حصول محبت و الفت میان ایشان است تا اهل ایمان باهم متحد و دوست و چون منزلت در یک پوست بزنند، چنانکه موحیات تباعض و نفرت را مثل کذب و شپیت و افراء و ظلم و سرقت و تبیه و حدیعت و خیانت و شتم و مسبت و کبر و نخوت و عتس و تدایس و بخل و حسد و هتک عرض و ناموس و غیرها را که همه موجب عداوت و مانع از اتحاد و الفت است در کمال شدت نمی فرموده؛ اینها مسلمانان خاصه ایرانیان آن همه سنارشات الهیه و اتهامات دنییه را پشت سر اداخته و در مخالفت چیزی فروگذار نکرده بجای وداد و اتفاق دشمنی و تفاق نموده و میبایند حتی ظلم و هتک عرض و ریختن خون و تضییق و تکثیر همدیگر را فریضه ذمه خود میشارند اگر صاحب شریعت مقدسه بجای این همه سنارشات و تأکیدات امر بشقاق و نفرت و عداوت فرموده بود زیاده بر اینکه از مسلمانان صادر شده منصور و میسر نبود خداوند آنچه منظر عجیب هولناکی است اسلامیان را فرا گرفته، آنچه سوء اخلاق استناکی است ایشان را دچار شده، این چه داهیه نظمانی است بر آنها نازل گردیده، چه بدی از اسلام دیده اند که به تمام جد دشمنی با اسلام و صاحب اسلام می نمایند و تیشه عداوت بریشه آت میزنند و خود را آلت پیشرفت اغراض کفار قرار داده عزت و شرف و ناموس و دنیا و آخرت خود را بیاد میدهند، ای مسلمانان اگر حقیقه مسلمانید و اعتقاد بعماد دارید در کمال شتاب همدست و همدستان شوید ترک اختلاف و تفاق کنید و به بدل جان و مال حفظ استقلال این دو دولت اسلامی و این دو مملکت اسلامی را بنمائید، و اسباب قوت و شوکت آن دو دولت را فراهم فرمائید، چه آنکه حیوات اسلام و عزت و شرف مسلمانان بسته و منوط با استقلال و قوت و شوکت این دو دولت است، و واضح است سبب مدیون نفوس اسلامی یا زیاده اگر یکدل و یکجهت و اعضای دیگر باشند طرف ملاحظه اجاب خواهند گردید و با کمال سهولت اساس حفظ استقلال این دو

دولت و دو مملکت اسلامی را استوار و محکم و قطع طمع کفار را خواهند نمود، بلکه بواسطه شجاعت و شهامت خداداد تمام عالم را مسخر تواند کرد ای مسلمانان خدای همه یکی، پیغمبر همه یکی، قبله همه یکی، قرآن همه یکی، همه نماز دارید همه روزه دارید، همه حج دارید، همه زکوة دارید، همه خمس دارید، همه نکاح دارید، همه طلاق دارید، همه بر سائر احکام شریکید، در حالیکه اصل دیانت شماها مختصر و در معرض زوال است نزاعهای داخلی شماها هیچ محل و موقی ندارد، کاری بکنید که اصل دیانت عمده پایمال کفار نشود، کفار شیعه و سنی و مشروطه و مستبده نمیشناسند، بدست خودتان خودتان را ذلیل و اسیر نموده و مینمایید ای امت حضرت خاتم الانبیا علیه السلام وقت تنگ است نفس اسلام با آخر رسیده، کشتی استقلال این دو دولت اسلامی چهارموجه شوقانی شده، اغراض شخصیه و اعذار غیر موجهه کنار گذارید، دستور کتاب آسمانی خود را بکسکه میفرماید (انفروا خائفاً و تقالا و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) و نیز میفرماید (و اعدوا لهم و ما استطعتم من قوه و من و باط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم) و نیز میفرماید (یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم الخ) و همچنین آت دیگر را نصب الیمین خویش قرار دهید، حب دنیا و جهالت را دور اندازید امروز روز اختلاف و اهل و مسامحه نیست، روز استخفاف بدین نیست، روز جوامع مردی است، روز اسلام برستی است، از اتفاق جان و مال در راه دین مضایقه نکنید، اگر اتفاق و غیرت و حجت اسلامیت باشد بدل جان و مال گوارا و سهل است، امید و ابریم مسلمانان این دعوت نامه را که از جانب خدا و رسول است اجابت فرمائید (یا ایها الذین امنوا استنجیوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم) و بر هر متدینی خصوص علماء اسلام لازم است لساناً بداً قلباً فدماً سی نموده کافران مسلمانان را از خواب غفلت و جهالت بیدار و به تکلیف امروزی خود آگاه و به نصرت خدا و رسول دعوت نمایند،

ذکرید و از اغراض شخصی دست نکشیدید بلکه جماعتی بوسائل عدیده اسباب مداخلات و استیلائی روس را تحریک خود روسها فراهم و واقعه جان گذاز ارض اقدس را برپا نمودند، اف بر این مسلمانان، عجب است در مقام اظهار ارادت بخاندان عصمت و طهارت بای اتم و نفسی و اهلی و مالی و اسرقی میسرائیم (و یالیتنا ککنا معکم فنوز فوزاً عظیماً میخوانیم) و اسلامیکه عزیز تر از جان بک آن انوار مقدسه تاناک است در کمال ذل و هوان میگذریم و اعتنائی نکرده میگذریم، بلکه جسد مبارکش را را بشمشیر اختلاف و نفاق یاره یاره میناهیم

حقیقه در این یوم امتحان الهی خوب از عهده برآمدیم روی خود را سفید نمودیم، اگر مارا در روز حساب در حضور حضرت ختمی مآب (ص) بموقع خطاب و عتاب آورند نمیدانم زنگ و غبار مصیبت این مصیبت بزرگ را بچه میشویم و در جواب و و مذرت از این رو سیاهی و خجالت چه میگوئیم، خوش است حالا، دیگر تا باز اندک مجال هست متنبه و نادم شویم همه همدست و همدستان شده تدارک مافات نمانیم و مرهمی بجرافات وارده بر اسلام و قلب مبارک امام زمان علیه افضل الصلوة والسلام بگذاریم و در حفظ استقلال این دولت و مملکت که مقدمه حفظ اسلام است از جان و مال مضایقه نکنیم، پیش از این سزاوار نیست تحریک کفار جان و مال و عرض و ناموس و دیانت و مملکت و عزت و شرافت دنیا و آخرت خود را به باد فنا دهیم و کفار را بر خود مسلط و چیره نمانیم، و چون حفظ اسلام اهم ضروریات دین است هر کس دیانتش پیشتر است البته پیشتر سعی و اقدام و اهتمام جانی و مالی در حفظ این مملکت و اصلاح ذات الین ایرانیان و موعظه و نصیحت ایشان و ترغیب و تحریر و ایجاد موجبات ترقیات دولت و ملت خواهد نمود امروز در این موقع خطرناک که حشاشه پیش از اسلام باقی نمانده دیانت در گوشه گیری و قعود و سکوت نیست مضایقه از جان و مال موجب خزی دنیا و عذاب اخروی است، بقدر طاقت و میسر باید جد و کوشش نمود تا فرج و عنایت الهیه شامل حال شود (اے! تنصروا الله ینصرکم و یشیت اقدامکم

هر مقام کلام بجهت تاکید و زیادت اهتمام روی سخن را به برادران ایاتی و احباب روحانی ایران نموده عرضه میدارد و منصفانه شوال مینماید در این مدت چند ساله از اختلاف و نفاق و تضییق و تکذیب همدیگر چه نتیجه و فایده دنیوی و اخروی تحصیل نموده آید؟ خون همدیگر را ریختید، عرض و ناموس و مال و شرف و اعتبار خود را پایمال جهل و نفاق و اغراض شخصی کردید، بقیه مقدسه حضرت نامن الاثمه سلام الله علیهم را هدف گلوله های توپ روسیان و لکده کوب سم اسب آن وحشیان نمودید، استقلال این دولت اسلامیه را بر ایکن بدست اجنب سپردید، اسلام و مسلمین را در انظار دشمنان منتضح و قلب مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداء را مجروح نمودید، ننگ و ذلت ابدی و شخص و عذاب الهی حایز و مستوجب شدید، (خسر الدنیا و الاخره و ذالک هو الخسران المین

مسلمان چگونه برخورد هموار کند که شعائر دین مقدس اسلام که عزیزتر از جان است در زیر پای ظلم و تعدیات عاصک روس محو و ضائع شده و روضه مطهره رضویه که معبد بزرگ اسلامی و قانون تمام دول و ملل عالم باید از هتک مصون و محروس و محترم باشد پایمال وحشیان کفار گردد، از روس همین روز سیاه بود که کراوا بوسیله تلغرافات و لوائح چند سال است در دعوت شاهان با نفاق و اتحاد فروگذاری نشده و برای جلوگیری از همین فجائع اسلام محوکن بود که در آن هوای سرد زمستان ما با اغلب اعظام و حجج اسلام نجف اشرف و کربلای معلی و سامره مبارکه بکاظمیه مشرفه آمده بوسائل عدیده اوامر صریحه خدا و رسول (ص) را بهمه ابلاغ و از عواقب وخیمه اختلاف و عرض رانی تعدیر نمودیم، حتی در تلغرافات و لوائح نشر دادیم که یک مرقد مطهر منور حضرت نامن الاثمه علیه آلاف التحیه در خاک ایران و موجب شرف و افتخار ایرانیان است نگذارید بسبب اختلافات و نفاق شاهان کفار در آن مداخله نمایند و هتک احترام اسلام و مسلمین و ائمه طاهرین علیهم السلام و ننگ تاریخی بشود، ولی افسوس اجابت

و لينصر الله من ينصره ان الله لقوى عزيز )  
 بالجملة امروز امر قریض دینیہ و مصالح ملیہ ترک  
 منازعات داخلیہ و اتحاد و موافقت و ایجاد مسالمت است  
 تا اجانب بہانہ جوئی نمایند و اختلافات را وسیلہ نیل  
 باضرای فاسدہ خود نکنند و سپس ہر چہ مبسر  
 است اعداد عدہ و استعداد و قوہ برای دولت و  
 ملت فراہم شود. شارع مقدس اسلام (ص) سبق و  
 رہابہ را تسریع فرمودہ تا ہمہ ملت در فن حرب  
 و آداب ضمن و ضرب حذافت و مہارت داشته  
 هنگام ضرورت بکار برند و اسلام را مایہ قوت و  
 بشرف تابد. و نیز در قرآن مجید دستور  
 جمع بہمہ دادہ کہ فرمود (واعدوا لهم ما استطعتم  
 من قوۃ السیاح) یعنی قدر طاقت و اندازہ استطاعت  
 برای مقابلہ و مقاتلہ کفار بہمہ و استعداد فراہم  
 کنید در ہر زمان بقضای آن زبان استعداد  
 مہیا سازید اگر در زمانی از تیر و نیزہ دریہ  
 ساختہ نمیشود ادوات دیگر مانند توپ و تفنگ  
 برای میدان جنگ یا علم بکار بردن باید بہمہ  
 کرد و اگر مسلمانان بواسطہ کثالت و عدم ہمت  
 یا بعد مسافت اعانت جانی و بدنی نمایند لا اقل از  
 بقل مال و سلاح برای دولت اسلامی در قبائل کفار  
 باید مضائقہ فرمایند کہ یک قسم از جہاد جہاد باموال  
 و اظہار اتحاد و ہمدردی است در این مقصد اسلامی است  
 و اگر ہر یک از اتحاد مسامین گرچہ بقدرارگی باشد  
 اعانت و کمک نمایند مجموع آن کارہای بزرگ از پیش  
 میرود خداوند را شامدہ بیکرم در لازمہ نصیح و خیر  
 خواہی کوتاہی نشدہ و از خدا توفیق نایند دین  
 و حفظ حوزہ اسلام و مسلمین را از برای ہمہ  
 خواہام -

من الاقل الجانی معطنی الحسین الکاشانی النجفی

( حبل المتین )

ما تصدیق داریم کہ حضرت آیت اللہی سالہای  
 دراز است کہ از نصیحت امت اسلامیہ و وظائف مقدسہ  
 اسلامیہ رہ تہاون فرمودہ اند ولی نمیتوان فقط بانشار  
 نوائج نصیحیہ با وضع امروزی مسلمانان قناعت ورزید  
 بقید ما دو آگتہ باید جدا تطیب شود اول آنکہ  
 باید دید سبب اختلاف و علت تشتت مسلمانان  
 چیست در رفع آن کوشید چنانچہ عمر بن عبد  
 العزیز دفع علت نمودہ یک اختلاف عظیمی را از

اسلام مرتفع داشت امروز کہ چشم عوام اسلامیت مان  
 ذات مقدس روشن است بقدر مقتضی و مناسب میباشد  
 کہ از روی دیانت و اساس علمی رفع علت  
 اختلاف مسلمان را نمودہ اسباب تشتت و افتراق  
 مسلمین را از بین بردارند و این امر کاملاً از آن  
 ذات خجستہ برآید و میتوان گفت کہ لباسی است  
 امروزہ بر قامت مہاوک موزون آمدہ و بر فرض  
 ہم برخی خود غرضان علم معاشیت بر افرازد چون  
 حق باحضرت می باشد ان مان بر علو کلمہ و نفوذ  
 مسلک اسلام بروراه آن ذات مقدس خواهند افزود  
 و جز دفع علت نمای این اتحاد از مسلمین نمودن  
 آب از سراب خواستن است. دوم آنکہ چون  
 شیاطین انس و دستاروی خارجی بہ بدبیری مواد  
 اختلاف را در اتحاد ملت اسلامیہ نواید نمودہ کہ  
 بیک یادہ لایحہ نصیحیہ رفعش ممکن باشد.

لذا آن حضرت آیت اللہی راست کہ بدربی بہ  
 نوائج نصیحیہ و تدکیرات و مراسلات عمومیہ و شخصییہ  
 اتحاد ملت را متنبہ فرمودہ شرعاً و عقلاً و حلاً نتایج  
 نفاق و نمرات اتفاق و تا نایدات اکیدہ کہ از  
 صاحب شریعت مطہرہ در اخوت و برادری مسلمانان  
 وارد شدہ بہ عام و خاص برساند و نیز لازم است  
 از طرف خودشان اشخاص موثق و فضلاء ملیق  
 السان بی غرض را برای مویظہ و تنبیہ ملت در  
 میان عشایر و ایلات و شہر و قصبات گسیل فرمودہ  
 تا بمواعظ حسنہ و اثرات نصیحیہ جہال را از  
 وخامت عاقبت نفاق بہ برہیزاند و عملاً بجانب اتحاد  
 سوق دهند. چنانچہ مولای متقیان برای جنبش  
 و حرکت کوفیان فقط اکتفا برسان فرمودہ  
 اکتفا فرمودہ رسولان مخصوص و مردین در آگاہ  
 را برای حرکت آمان گسیل فرمود. پس نباید  
 از ایرانیان امید وار گردیم کہ فقط بچند وایج  
 نصیحیہ عادات میشومہ نفاق کہ قرن ہاست در قلوب  
 آنان جی گزین گردیدہ رفع و دفع گردد - و نیز  
 حضرت آیت اللہی راست کہ بہر وسیلہ ممکن باشد مخزنین  
 و منافقین بلکہ علت نفاق و اختلاف ایرانیان را  
 ہدایت فرمود تا اقل در ضیقہ روحانین اختلافی  
 باقی نماند. چہ اثر این امر بہ عامہ ملت ایران  
 بسیار است چون حضرت آیت اللہی بخونی از این نکات  
 وقف و مطلع مجزئی و بکلی امور متسد - بسط  
 کلام را زاید می بنداریم

## یکدینا ناسف

زد ارباب فن و اهل بصیرت مستور نیست که در این عالم نشو و نمای طبیعی عموم موجودات و مخلوقات تابع و مقهور طبیعت بوده اثرات طبیعی این عالم شامل تمام افراد مکونات است و هر چه سواخ و حوادثی که اتفاق افتد چون از مقتضیات طبیعی عالم کون و ایجاد است محل هیچگونه غرابت و تعجب نبوده سهل است بهیچوجه نمیتوان از اتفاقات طبیعی اجتناب ورزید و یا برای جلوگیری آن اقداماتی نمود، چنانچه روزی نیست در یکی از نقاط مکره ارض از این قبیل وقایع ناگوار رخ نهد و یا تولید نام و ناسف نماید

حدوث فوقهای سخت، نزول برف، غرق سفین، طغیان مباح، زلزله، حریق و امثال آن همواره از لوازم امور طبیعی بوده و هر روزی بهیچوجه صحنه نایشات طبیعت عالم است. شاهد این مقال طغیان رود سن و خرابی اغلب نقاط شهر پاریس دو سال قبل و حریق بزرگ پاریس اسلامبول و حریق وحشتناک یکجا قبل شام و غرق کشتی تیتانیک باعده زیادی از راه کین و امثال آنست که اوراق و صحایف جراید و روزنامهجات منتشره حاکی این مطالب است اگر چه حوادث مزبوره باعث ملالت و کدورت عالم انسان است ولی چون از لوازم مقتضیات طبیعی است جز صبر و سکونت چاره دیگری موجود نیست

فجیع ترین اتفاقات ناگوار طبیعی که از همه این وقایع مشتمله مذکوره برعالم انسانی عموماً و بر افراد ایرانی خصوصاً سخت تر و شاق تر است همانا قضیه هایلند حریق رشت است که اغلب نشاط معسوره شهر مزبور را سوزانده و اهالی آن را غریق دریای حزن و ملالت نمود

علت سخت این اتفاق ناگوار این است که تاکنون در مقابل هرگونه حادثه فحیسه که در یکی از نقاط عالم رو داده هیئت جامعه انسانی دفاتر اعانه باز کرده در صدد وسائل تسلی و جبران آفت زده کان بر آمده از هر سمت دنیا بیلاب زده کان پاریس و حریق زده گات اسلامبول و امثال آن دستگیری و معاونت نموده بتلافی و جبران خسارات و صدمات وارده بر آمده اند بخلاف

اهالی بجزاره رشت که قبل از حریق دارای همه قسم خانه و زندگی و ثروت و رفاهیت بوده از نتیجه این قضای منحوس بخاک مذلت نشسته اند هیچگونه معاونت و دستگیری نشده و بهیچوجه از حالات آن حریق زده گان بدبخت اطلاعی نرسانده اند خوبست در این موقع ایرانیان غیور یادی از فلاکت و خسارت وارده هموطنان بجزاره رشت نموده با تشکیل دفتر اعانه دستگیری از ایشان نمایند. اداره آفتاب کمال ناسف و تلف را از این قضیه هایلند داشته امید وار است که افراد ایرانی بمقام جیران و تلافی خسارات وارده حریق زده گات رشت بر آمده نام نیکی در عالم مدنیت و انسانیت بگذارند (آفتاب)

(مقابله با سالارالدوله)

(تلگراف از کنکاور به طهران)

توسط حضرت اشرف آقای وزیر جنگ مقام منبع هیئت وزرای عظام دامت شوکت - دیروز صبح دهم از کنکاور حرکت کرده حوالی ظهر وارد صحنه شدیم چهار بیروب مانده قشون اشرار بر داری داؤد خان کلهر از کرمانشاهان و بیستون داو طلبان نزدیک صحنه آمده تلال و آبادی را از چهار طرف گرفته بشلیک تفنگ مشغول شده فدویان با سوارهای بختیاری و جهادین بغوربت بجلو گیری و مدافعه آنها بر آمده با کمال سختی شروع بجنگ شد جلالت و استقامت اردوی منصور ناب مقاومت اشرار را برده قریب نیم فرسنگ آنها را عقب نشاند و بلندپارا از دست شان گرفته مقارن این حال حضرت والا فرمانفرما هم با اردوی خودشان رسیده با کمال استقامت حاضر بمدافعه و جنگ شدند. امتداد این جنگ تا نیم شب کشیده تا اطل آفتاب تمام اردو بیدار و مشغول کشیک بودند. اول آفتاب مجدداً شروع بجنگ شده قشون اشرار بیه بلندی را که مشرف بتمام صحرا و آبادی و در کمال استحکام بودستکر کرده مجاهدین غیور و سواران رشید بختیاری چندین مرتبه یورش بان تیه برده بالاخره از قله کوه بالایی سرشان بر آمده قهرا آنها را سرازیر کرده بصحرا دوآبند و تا قله بیستون که تقریباً پنج فرسخ مسافت دارد تعاقب شان کردند. در بیستون هم